

۳
افقتهران میزبان فیدان
وزیر خارجه ترکیه به ایران می‌آید۳
دیپلماسیپیشنهاد آلمانی
اعلام آمادگی برلین برای مذاکره با ایران۴
کافهعبور از نزاع
رضا داوری اردکانی۷
شهر

قرارداد ۵ هزار میلیارد تومانی!

یک عضو شورای شهر تهران خبر داد: شهرداری تهران با صداوسیما قراردادی به مبلغ ۵ هزار میلیارد تومان بسته است و این قرارداد انتها هم ندارد



یادداشت روز

دفاع از آینده

چرا باید از افزایش قیمت بنزین توسط دولت حمایت کرد؟

صادق زیباکلام

استاد علوم سیاسی



من فکر می‌کنم از معدود کسانی باشم که از افزایش قیمت بنزین به‌شدت دفاع کرده‌ام و دلایل آن را در پستی که در صفحه اینستاگرام گذاشتم نیز ذکر کرده‌ام. اما به‌رغم ذکر دلایل، افراد زیادی به شدت و با تندترین الفاظ به من تاخته بودند که چرا از افزایش قیمت بنزین دفاع می‌کنید. البته تعداد خیلی کمی هم موافقت کرده بودند. جالب اینکه تقریباً تمام کسانی که حمله کرده بودند، یا مدافعین نظام بودند و مخالف آقای پزشک‌های یعنی تندروها و یا براندازها و اپوزیسیون و سلطنت‌طلب‌ها بودند با این استدلال که چرا از چیزی که به نفع مردم نیست، یعنی افزایش قیمت بنزین، دفاع می‌کنید. البته که معتقدم تندروهای خودمان هر چیزی که علیه دولت پزشک‌ها باشد به آن استناد می‌کنند. اپوزیسیون هم مشخص است که چرا به افزایش قیمت بنزین حمله می‌کند.

اما بیایید برای یک لحظه مسئله را از منظر غیرسیاسی نگاه کنیم، از منظر ایران و آینده ایران. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا فروش بنزین لیتری ۵ هزار تومان، حتی از نیمه آذر که شروع می‌شود، هزینه هنگفتی برای کشور دارد یا نه؟ من نشان داده بودم و الان هم در این یادداشت نشان خواهم داد که چرا حتی فروش بنزین ۵ هزار تومان هم تیشه به ریشه منافع ملی ایران می‌زند. اگر قیمت نفت خام را در نظر نگیریم، هزینه تولید و حمل یک لیتر بنزین ۱۰ هزار تومان است. وقتی دولت این را ۵ هزار تومان می‌فروشد، یعنی در ازای هر لیتر بنزینی که می‌فروشد ۵ هزار تومان از مصرف‌کننده دریافت نمی‌کند. مصرف روزانه بنزین حدود ۱۳۷ میلیون لیتر در روز است که ۱۱۴ میلیون لیتر آن توسط پالایشگاه‌های داخلی تولید و ۲۳ میلیون لیتر از خارج کشور وارد می‌شود.

بگذارید اول نگاهی به آن ۱۱۴ میلیون لیتر داخلی بیندازیم. اگر هزینه روزانه ۱۱۴ میلیون و ۵۰۰۰ تومان را در نظر بگیریم و آن را در ۳۶۵ روز ضرب کنیم، هزینه سالانه در واقع حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان می‌شود. البته دولت این مبلغ را دریافت نمی‌کند. بنزینی که از خارج وارد می‌شود به قیمت حدود ۰.۸ دلار (۸۰ سنت) است که معادل تقریبی ۱۳ هزار تومان می‌شود؛ یعنی هزینه واردات این بنزین حدود ۹۰ هزار تومان برای هر واحد است. دولت این بنزین وارداتی را با قیمت ۵ هزار تومان می‌فروشد بنابراین از هر لیتر بنزین وارداتی حدود ۸۵ هزار تومان را دریافت نمی‌کند. اگر این مبلغ را در ۲۳ میلیون لیتر در روز سپس در ۳۶۵ روز سال ضرب کنیم، رقم سالانه حدود ۷۰۰ هزار میلیارد تومان می‌شود که جمع این ارقام با سهم داخلی حدود ۹۰۰ همت خواهد بود. ۹۰۰ همت یعنی چه؟ وقتی ارقام زیاد می‌شوند، انسان درک درستی از آن ندارد. به همین دلیل به مقایسه متوسل می‌شوم. کل بودجه سازمان محیط‌زیست کشور ۸ همت است. کل بودجه دانشگاه تهران، بزرگ‌ترین دانشگاه کشور با بیش از ۳۰ هزار دانشجو، بیش از ۲۰۰ هیات علمی و هزاران کارمند، آن هم امسال که مقداری افزایش داشته، حدود ۶.۵ همت است.

به عبارت دیگر، پول بنزینی که دولت دریافت نمی‌کند حدوداً بیش از ۱۱۲ برابر بودجه سازمان محیط‌زیست و ۱۲۸ برابر دانشگاه تهران است. درواقع، فاجعه این است که دولت صدها برابر بودجه محیط‌زیست، پول یارانه بنزین را دریافت نمی‌کند.

ادامه در صفحه ۸

تکرار نشدن جنگ دست ما است

حسن روحانی در دیدار با وزیران و معاونان دولت یازدهم و دوازدهم به تشریح شرایط پیش‌روی کشور پرداخت و با بیان اینکه پنج ماه پس از جنگ همچنان در وضعیت نه جنگ و نه صلح هستیم، تأکید کرد: حفظ انسجام ملی، امید مردم و بازدارندگی در تمامی حوزه‌ها، شرط عبور از بحران‌ها و جلوگیری از تکرار جنگ است



صلحیم، گفت: این وضعیتی است که رهبر انقلاب نیز بر ضرورت اقدام در قبال آن تأکید کردند، با این حال تاکنون اقدامات مؤثر جدی انجام نشده است. احساس امنیت در کشور وجود ندارد، حالا اینکه خود امنیت هست یا نیست یک مقوله دیگری است. زمانی که مردم احساس امنیت ندارند اصولاً اینکه رشد اقتصادی داشته باشیم، تورم را پایین بیاوریم، سرمایه‌گذاری کنیم، خیلی

قرار دارد، هشدار داد که فقدان بازدارندگی واقعی و احساس ناامنی، اعتماد مردم و ثبات کشور را تهدید می‌کند و تأکید کرد که حفظ انسجام ملی، امید مردم و تقویت بازدارندگی در تمامی حوزه‌ها، شرط عبور از بحران‌ها و جلوگیری از تکرار جنگ است. رئیس دولت یازدهم و دوازدهم در ابتدای این دیدار با بیان اینکه ۵ ماه بعد از جنگ ۱۲ روزه همچنان متأسفانه در شرایط نه جنگ و نه

گروه سیاسی: حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین در دیدار جمعی از وزیران و معاونان رئیس‌جمهور در دولت‌های یازدهم و دوازدهم با تأکید بر اهمیت امنیت واقعی و خطرات امنیتی نکردن جامعه، گفت: «ما فضای امنیتی نمی‌خواهیم، ما فضای امن می‌خواهیم.» او با اشاره به تجربه جنگ ۱۲ روزه و وضعیت کنونی کشور که ۵ ماه پس از بحران همچنان در «نه جنگ و نه صلح»



سال هشتم شماره ۲۱۲۵
یک‌شنبه ۹ آذر ۱۴۰۴



بررسی رویدادهای سیاسی

ادامه تیتیر یک

گفتار روز

اعتراض تندروها به سایت رهبری

شهید جنگ ۱۲ روزه
هدف حمله جریان‌های افراطی



گروه سیاسی: انتشار عکس شهید

نیولوفر قلعهموند در نشریه اینترنتی «اصدای ایران» وابسته به پایگاه خبری رهبر انقلاب، واکنش‌هایی را موجب شده که بیش از آنکه درباره او باشد، درباره نگاه بسته و کنترل‌گرایانه جریان‌های تندرو است. دختر جوان و ورزشکاری

که زندگی‌اش سرشار از امید و آرزو بود و بیست‌وسوم خردادماه در حمله رژیم صهیونیستی به منطقه نوینباد تهران به همراه خانواده‌اش مظلومانه به شهادت رسید. واقعیت تلخی که برای برخی تندروها «ظاهر» از عکسی که در این نشریه منتشر شده، اهمیت کمتری دارد.

واکنش‌های تندی که از سوی گروه‌هایی مانند «بانوی تمدن‌ساز» و چهره‌هایی مثل مهری طالبی‌دراستانی، عضو اخراجی ستاد امر به‌معروف و نهی از منکر و طراح کلینیک بی‌حجابی مطرح شد، نشان داد مسئله اصلی برای این جریان، نه احترام به مقام شهید و همدردی با خانواده او بلکه نظارت سختگیرانه بر نحوه نمایش بدن و چهره زنان است. به همین دلیل نیز بدون توجه به شرایط حقیقی شهادت قلعهموند، انتشار عکسش در یک نشریه اینترنتی را با برچسب‌هایی مثل «ترویج منکر» و «نادیده گرفتن حدود الهی» محکوم کردند. برخوردهایی که بار دیگر نشان داد، بخشی از جریان تندرو در ایران به‌جای تلاش برای فهم واقعیت پیچیده زندگی زنان امروز همچنان در پی تحمیل یک الگوی تک‌بعدی است؛ الگویی که به هیچ‌عنوان با تجربه زیسته مردم و با چالش‌های واقعی جامعه هماهنگ نیست. این گروه‌ها به‌جای شنیدن روایت زندگی زن جوانی که قربانی تجاوز نظامی شده، تمرکزشان را بر پوشش او در عکس قرار داده‌اند. این نوع حساسیت‌گرینی، نشان‌دهنده آن است که برای آنان کنترل نماد زن مهم‌تر از پاسداشت حقیقت و فداکاری انسان‌هاست. طالبی‌دراستانی در انتقادش با تکیه بر مفاهیم دینی، انتشار این عکس را خطا دانست و حتی با استناد به سخنان رهبری درباره «پاسخگویی» تلاش کرد، عملکرد نشریه را نوعی انحراف جلوه دهد.

به نظر می‌رسد که گروه‌های تندرو به این وسیله حرکت رادیکال خود را برای عبور از خطوط قرمز آغاز کرده‌اند، آنها هنوز نمی‌خواهند بپذیرند که جامعه امروز ایران، زنان را فقط از زاویه «پوشش» نمی‌سنجد. مردم می‌خواهند، روایت واقعی انسان‌ها را ببینند؛ علاوه بر این، کسی که در یک حمله جانش را از دست داده، فارغ از اینکه حجاب یا نوع پوشش او مطابق سلیقه این گروه‌ها بوده یا نه، سزاوار احترام و روایت درست است. در واقع اعتراض تندروها نشان‌دهنده تلاش برای مصادره معنوی شهدا و تبدیل آنان به ابزار تبلیغی یک روایت خاص است. شهید اما متعلق به مردم است نه به یک جریان سیاسی یا فرهنگی. نیولوفر قلعهموند نیز انسانی بود با زندگی واقعی، نه نمادی که بتوان آن را مطابق قالب‌های تندروها ویرایش کرد. گروه‌هایی که به‌خاطر ظاهر یک عکس چنین جنجال‌آفرینی می‌کنند، فاصله‌شان با مسائل واقعی جامعه بسیار زیاد است و تازمانی که هر تصویر متفلسوت را تهدیدی برای روایت خود تلقی کنند، درک عمیقی از ارزش‌های انسانی پیدا نخواهند کرد.

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ

هم‌اندیش ارجمند

جناب آقای سائر قاسمی

دبیر اول محترم استان قزوین
حزب کارگزاران سازندگی ایران

مراتب تسلیت ما را

در فقدان مادر گرمی‌تان پذیرا باشید.

روحشان قرین رحمت واسعه الهی
و خلد برین سرائشان باد.

روابط عمومی حزب کارگزاران سازندگی ایران

اهمیت بازدارندگی سیاسی و دیپلماتیک

او با اشاره به اینکه در سال ۷۸ بازدارندگی سیاسی مانع جنگ شد، گفت: بازدارندگی سیاسی و دیپلماتیک در همه دنیا نقش مهمی دارد؛ یعنی روابط ما با دیگر کشورها به‌گونه‌ای باشد که دشمن نتواند، حمله کند یا دست‌کم تهدید را به عقب بیندازد. در زمان کلینتون، آمریکایی‌ها قصد داشتند، انفجار پایگاه خُبر در عربستان را به ایران نسبت دهند و صریحاً اعلام کردند که ایران باید مورد حمله موشکی قرار گیرد. در ایران بررسی شد که در صورت حمله موشکی چگونه می‌توان دفاع کرد و واکنش مناسب چه خواهد بود. بخشی از این بررسی‌ها در شورای عالی امنیت ملی و دبیرخانه انجام شد و هم‌زمان فعالیت سیاسی و دیپلماتیک آغاز گردید تا از طریق مذاکره با عربستان، بحران مدیریت شود. برای این منظور، ایران نماینده تام‌الاختیار خود را به عربستان اعزام کرد که در آن زمان، این مسئولیت بر عهده بنده گذاشته شد. طرف عربستان نیز امیرعبدالله نایف را به عنوان نماینده خود معرفی کرد. مذاکره پس از ظهر شروع شد و پس از شام رسمی از ساعت ۱۱ شب تا حوالی اذان صبح ادامه یافت و در مجموع بیش از ۷ ساعت مذاکرات فشرده انجام شد. نتیجه این مذاکرات، رسیدن به تفاهم در همه ۵ بند مورد نظر ایران بود. تفاهم‌نامه امنیتی به امضای دو طرف رسید و در فرودگاه جدّه، نماینده عربستان رسماً اعلام کرد که همسایگان هیچ نقشی در ماجرای خُبر نداشتند؛ همان چیزی که ایران انتظار داشت و هدف اصلی مذاکرات بود.

روحانی ادامه داد: در همین ماجرای جنگ ۱۲ روزه پیشگیری و بازدارندگی آن به نظر من خیلی آسان بود. متأسفانه فرصت‌هایی بود که درست از آنها استفاده نشد، اگر در فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۰ به برجام برمی‌گشتیم و به‌برجام عملیاتی می‌شد، جنگ ۱۲ روزه دیگر معنی نداشت، اسنپ‌ک دیگر معنی نداشت، شرایط دیگری می‌بود، اسرائیلی‌ها و دشمنان ما در دنیا و آمریکایی‌ها موضوع هسته‌ای را متأسفانه امنیتی کردند.

وی تأکید کرد: همانقدر که امنیت محبوب و مطلوب ماست، امنیتی کردن به ضرر ماست. امنیت خیلی خوب است. تأمین امنیت خیلی خوب است. امنیتی کردن معمولاً مضر است. در دانشگاه تأمین امنیت خیلی خوب است اما دانشگاه امنیتی معنی ندارد. تأمین امنیت جامعه خیلی خوب است، امنیتی کردن جامعه غلط است. تأمین امنیت فضای اقتصادی خیلی خوب است، اقتصاد را امنیتی کردن نادرست است. امنیت فرهنگ خیلی خوب است، امنیتی کردن فرهنگ غلط است. وقتی «ی» پسوند امنیتی می‌شود، بلایی سرش می‌آورد که درست معکوس می‌شود. امنیت اطمینان درست می‌کند، آرامش درست می‌کند اما امنیتی شدن نگرانی درست می‌کند و اطمینان را از بین می‌برد و مردم را نگران می‌کند. اگر بخواهیم مسائل فرهنگی را از طریق امنیتی حل کنیم، شدنی نیست. وقتی یکسری مسائل فرهنگی و اجتماعی را امنیتی می‌کنند، چیزی به دست نمی‌آید، همراهش ناامنی به‌وجود می‌آید.

برجام امنیت هسته‌ای آورد

روحانی با تأکید بر نقش برجام در ایجاد امنیت هسته‌ای ایران تصریح کرد: به هر حال عده‌ای دنبال این بودند که موضوع فناوری هسته‌ای ایران را امنیتی کنند و امنیتی‌هی کردند. اینکه پرونده ما از آژانس و وین به نیویورک و شورای امنیت و به فصل ۷ رفت و قطعنامه‌ها علیه ما صادر شد یعنی هسته‌ای را امنیتی کردند. برجام خاصیتش چه بود؟ اولین خاصیت برجام این بود که امنیت هسته‌ای برای ما به‌وجود آورد به‌جای اینکه هسته‌ای، امنیتی باشد. برای فناوری هسته‌ای امنیت درست کرد. وی افزود: اگر برجام در سال ۱۴۰۰ عملیاتی شده بود، جنگ ۱۲ روزه رخ نمی‌داد و بهانه دشمنان سلب می‌شد اما متأسفانه در دولت سیزدهم هم نتوانستند؛ تا رسیدیم به اینجا و این مسأله پیش آمد.

روحانی در ادامه با بیان اینکه یکی از مشکلات بازدارندگی، فقدان بازدارندگی گسترده یا منطقه‌ای است، گفت: در بحث بازدارندگی، یک بازدارندگی گسترده ما داریم که مربوط می‌شود به بازدارندگی منطقه‌ای. معمولاً می‌گویند، بازدارندگی گسترده که کشورهای دیگر هم به نحوی تأثیرگذارند. در حال حاضر اسرائیل تا مرز ما در فضا و آسمان بی‌دفاع و آزاد حرکت می‌کند. می‌گویند اسرائیل چقدر فاصله دارد با ایران، امروز دیگر بحث فاصله نیست در مسیر هر وقت لازم باشد با تانکر هوایی سوخت لازم را می‌گیرد و دیگر مشکل مسافت وجود ندارد، هواپیما بلند می‌شود و نزدیک ایران بنزین‌گیری می‌کند، مشکلی که ندارد، آسمان ایران برای دشمن کاملاً امن شده است. متأسفانه الان ما بازدارندگی گسترده نداریم، یعنی کشورهای همسایه ما عراق، سوریه، لبنان، اردن، همه اینها، فضایشان متأسفانه کاملاً در اختیار آمریکا و اسرائیل است. او در ادامه تأکید کرد که کمک به استقلال و توانمندسازی کشورهای منطقه نه‌تنها به نفع آنهاست بلکه امنیت ایران را نیز تضمین می‌کند.

ایجاد یک منطقه امن، قدرتمند و مستقل که منافع و خطرات مشترک را با ایران درک کند، شرط بازدارندگی گسترده است.

بازدارندگی بی‌نقص مردم

روحانی با تأکید بر اینکه حفظ بازدارندگی توسط مردم بی‌نقص بوده است، گفت: بازدارندگی ما آنجایی که دست نیروهای مسلح ما بوده، مربوط به دستگاه امنیتی ما بوده، متأسفانه نقص و اشکال داشتیم اما آنجایی که بازدارندگی توسط ملت بوده، بی‌نقص بوده است. وی افزود: بازدارندگی نظامی داریم، بازدارندگی فناوری هم باید داشته باشیم، باید بتوانیم اختلال الکترونیکی لازم را ایجاد کنیم. جنگال اهمیت دارد و وابسته به این است که فناوری ما در چه حد باشد، چقدر ما در فناوری قدرتمند هستیم. دشمن ما چقدر در فناوری پیشرفته است. وی ادامه داد: اهداف اصلی دشمن این بود که یا این نظام را تغییر بدهند یا به تعبیر خودشان این نظام را سرنگون کنند، یا اینکه در ایران بتوانند تمامیت ارضی ما را خدشه‌دار و کشور را تجزیه کنند اما ملت ایران نقش بازدارنده اصلی را ایفا کرد و نیروهای مسلح و دستگاه‌های اطلاعاتی نیز همراهی کردند. دشمن در هسته‌ای می‌خواست به ما ضربه بزند که مقداری به ما ضربه زد، البته نتوانست به هدف صددرصدی که می‌خواست برسد اما ضربه زد. در بحث موشکی می‌خواست به ما ضربه بزند. صددرصد نتوانست اما به ما ضربه زد. می‌خواست سازمان دفاعی ما را آشفته کند و آشفتگی ایجاد کند این را موفق نشد. زدن فرماندهان در لحظه اول برای ایجاد آشفتگی بود. اما در اینجا ناموفق بودند. کاری که رهبری معظم انقلاب انجام داد در ساماندهی فوری و سریع در همان ساعت‌های اولیه، ساماندهی برگشت. این اقدام خیلی بزرگی بود.

روحانی تأکید کرد: البته هدف اصلی ما این است که تمامیت ارضی این کشور، انسجام ملی، امنیت ملی، منافع ملی، مصالح ملی، ارزش‌های دینی و ملی ما هم حفظ شود، اهداف اساسی ما اینهاست. اگر می‌خواهیم این اهداف اساسی را به‌خوبی حفظ کنیم همچنان باید در خط مقدم مردم سینه سپر کنند. نباید فکر کنیم که در آن ۱۲ روز مردم ایستادند، پس اگر ۱۲ روز دیگری اتفاق بیفتد باز هم مردم می‌ایستند. باید کار و تلاش کنیم تا مردم احساس رضایت کنند، هر مقدار مردم نسبت به مشروعیت و مقبولیت نظام، باور بیشتری داشته باشند، محکم‌تر می‌ایستند. هر بخشی از مشروعیت و مقبولیت ما اگر زیر علامت سوال قرار بگیرد آن ایستادگی ضعیف می‌شود. درست است ما به مردم می‌گوییم در کشور مشکلات داریم و باید مقاومت کنید اما خودمان باید قدم اول را برداریم. خودمان که می‌گوییم یعنی همه، یعنی دولت، حاکمیت، همه علاقه‌مندان به نظام.

روحانی همچنین امید مردم را یکی از ارکان بازدارندگی دانست و افزود: البته امروز شرایط ما بسیار سخت است. اما در عین حال باید مردم را امیدوار نگه داریم. اگر می‌خواهیم در برابر دشمن بازدارندگی خودمان را حفظ کنیم، مردم باید امیدوار باشند. امید مردم از یک طرف به ایران بزرگ است که دارای منابع بسیار غنی و دارای انسان‌های فرهیخته است. افراد تحصیلکرده و باسواد در این کشور زیاد داریم، افراد شایسته در این کشور زیاد داریم، ایمان و اعتقادی که مردم دارند، می‌تواند کمک کند به کشور، مذهب که کمک است. اینها همه در کنار هم می‌تواند کمک کند. اما در عین حال همواره باید مردم نسبت به آینده امید داشته باشند. این امید می‌تواند سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هم باشد. اگر امید نباشد و تلاش مسئولین نباشد در موقع مشکلات، ما نمی‌توانیم در برابر مشکل ایستادگی کنیم.

تکرار نشدن جنگ دست ماست

روحانی با بیان اینکه تکرار نشدن جنگ دست ماست، اظهار کرد: گفته می‌شود که تلاش سیاسی و دیپلماتیک الان خیلی پیچیده



است. درست است، سخت و مشکل است اما آیا بن‌بست کامل است؟ ما نمی‌توانیم این را قبول کنیم. در دنیای سیاست بن‌بست کامل خیلی به‌ندرت اتفاق می‌افتد. ما باید تلاش مضاعف کنیم مسأله را حل‌وفصل کنیم. ممکن است حل آن طولانی و سخت باشد اما امکان‌پذیر است. فکر نکنیم همه مشکلات تمام شده است. در جنگ ۱۲ روزه ما ایستادگی و مقاومت کردیم اما ضربه هم دیدیم و مشکلات داشتیم. اما معنایش این نیست که دیگر تکرار نمی‌شود. تکرار نشدنش دست ماست، یعنی اگر ما در جامعه وحدت و انسجام ملی‌مان را به خوبی حفظ کنیم در آن شرایط ما می‌توانیم در برابر دشمن ایستادگی کنیم.

رئیس دولت یازدهم و دوازدهم، بزرگ‌ترین خیانت به رهبران را کم و زیاد جلوه دادن واقعیت‌ها دانست و گفت اگر به دروغ بگویم که ما قدرت بزرگی هستیم و همه چیز داریم و طرف مقابل ما بدبخت و ضعیف است و چیزی ندارد، این خطرناک است. شاید بالاترین خیانت به رهبران یک جامعه این باشد که ما محاسبه نادرست را در برابر آنها بگذاریم. مسئولین نباید به راحتی گوش کنند به حرف مسئولان پایین‌دست. در همه جا این مسأله صادق است. وی ادامه داد: تکرار می‌کنم بزرگ‌ترین خیانت به رهبران این است که ما بیاییم و واقعیت‌ها را کم یا زیاد جلوه بدهیم، یعنی خودمان را بزرگ ببینیم و دشمنان خودمان را کوچک ببینیم. باید بدانیم ما دشمنان قوی پنجه و خطرناکی داریم. اسرائیل جزو شرورترین و خبیث‌ترین رژیم‌هاست. آن طرف هم دشمن و خصمی داریم به نام آمریکا که کنار این رژیم ایستاده، فردی که امروز در آمریکا حاکم است، معلوم است چه آدمی است، هر روز یک تصمیمی می‌گیرد و یک حرفی می‌زند. پس ما باید با دقت محاسبه کنیم و دشمنان را به همان اندازه که هستند، قدرتمند ببینیم. وی با بیان اینکه جنگ ۱۲ روزه نشان داد که جنگ‌های آینده بیشتر فناوری‌محور خواهند بود، تصریح کرد: ما باید در همه فناوری‌ها پیشرفته باشیم. راهش این است که فضای امنیتی را از جامعه و کشور برداریم. یک تحصیلمکرده ایرانی، یک دانشمند ایرانی، یک ایرانی نخبه که به کشورش علاقه‌مند است و در هر کجای دنیا هست، وقتی شایسته است باید دعوتش کنیم، جذبش کنیم، اگر بنایست این کار شود باید فضای کشور دیگر امنیتی نباشد. تجربه سال ۹۴ نشان داد که سرمایه‌گذاران خارجی آماده حضور در ایران بودند اما فضای امنیتی، مانع ورود آنان شد. امروز هم اگر می‌خواهیم نخبگان را به کشور دعوت کنیم باید امنیتی بودن فضای کشور را کنار بگذاریم، ما فضای امنیتی نمی‌خواهیم، ما فضای امنی می‌خواهیم تا اینها بتوانند به ایران بیایند.

روحانی تأکید کرد: از طرف دیگر باید قدرت اطلاعاتی را تقویت کنیم. وقتی سرویس اطلاعاتی ما با سرویس اطلاعاتی هیچ کشوری همکاری ندارد به تنهایی که نمی‌شود کار کرد. خیلی از مسائل اطلاعاتی در ارتباط با سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای دیگر به دست می‌آید. وقتی در دولتی می‌روند از یک کشور همسایه، میلیون‌ها نفر را وارد کشور می‌کنند بی‌حساب و کساب، آخر به چه دلیل این همه آدم را اجازه دادند، وارد کشور شوند؟! البته من نمی‌خواهم بگویم از همسایه ما هیچ‌کس وارد ایران نشود اما باید حساب‌شده باشد، باید دقت کنیم، باید بتوانیم به خوبی آنها را کنترل کنیم. دستگاه اطلاعاتی باید در میان مردم محبوب هم باشد تا بتواند مأموریت‌های خود در مقابله با جاسوسی، جرایم سازمان‌یافته و تروریسم را به‌درستی انجام دهد. وی در پایان مجدداً با بیان اینکه در شرایط فعلی کشور پس از ۵ ماه همچنان در وضعیت «نه جنگ و نه صلح» قرار دارد، تأکید کرد: برای عبور از این وضعیت و بازگرداندن بازدارندگی واقعی باید بازدارندگی در بخش‌های مختلف ترمیم و تقویت شود. این اقدام نیازمند تلاش همگانی و پیگیری الزامات کلیدی است تا کشور بتواند در برابر توطئه‌های دشمنان ایستادگی کند.

تهران میزبان فیدان

وزیر امور خارجه ترکیه به تهران می‌آید

تهران به‌عنوان اولویت مشترک مطرح شده است.

در حوزه اقتصادی نیز ترکیه قصد دارد بار دیگر هدف‌گذاری تجارت دوجانبه ۳۰ میلیارد دلاری را یادآوری کند؛ هدفی که با وجود تلاش‌های مقطعی، فاصله قابل‌توجهی با واقعیت فعلی، یعنی حجم حدود ۶.۵ میلیارد دلاری مبادلات تا اکتبر ۲۰۲۵ دارد. افزایش حمل‌ونقل و اتصال‌پذیری، بهبود مسیرهای ترانزیتی و توسعه تجارت مرزی ازجمله دستورکارهای اصلی در این زمینه است. ترکیه به‌تازگی نیز در مهار آتش‌سوزی جنگل‌های الیت با ایران همکاری کرده که تهران بابت این موضوع از آنکارا قدردانی کرده و آن را نشانه‌ای از تداوم همکاری‌های سازنده دانسته است. منابع دیپلماتیک می‌گویند یکی از پرونده‌های مهم، بررسی پیامدهای رویکرد تهاجمی اخیر اسرائیل در منطقه همچنین آخرین تحولات مربوط به غزه و قطعنامه‌های شورای امنیت است. ترکیه خواهان حفظ آتش‌بس و تسریع روند بازسازی غزه است و ایران نیز از نقش‌آفرینی کشورهای منطقه در این مسیر حمایت می‌کند؛ هرچند اختلاف تهران با آنکارا بر سر تداوم روابط اقتصادی ترکیه با اسرائیل همچنان یکی از نقاط چالش‌برانگیز روابط دو کشور است. فیدان همچنین قصد دارد درباره سوریه با مقام‌های کشورمان گفت‌وگو کند. تهران و آنکارا در سال‌های گذشته مواضع متفاوتی نسبت به تحولات این کشور داشته‌اند اما ترکیه بر این

گروه بین‌الملل: در آستانه سفر رسمی «هاکان فیدان» وزیر امور خارجه ترکیه به تهران، فضای سیاسی دو کشور بار دیگر وارد مرحله‌ای تازه از ریزنی‌های فشرده و چندلایه شده است؛ سفری که قرار است روز یک‌شنبه ۳۰ نوامبر ۲۰۲۵ انجام شود و هم از نظر زمان‌بندی و هم از منظر حجم موضوعات مطرح در دستورکار اهمیت ویژه‌ای دارد. فیدان در تهران با عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران و دیگر مقامات ارشد دیدار خواهد کرد و مجموعه‌ای از مسائل پیچیده دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی را مورد بررسی قرار خواهد داد؛ مسائلی که از روابط اقتصادی و امنیتی گرفته تا پرونده‌های حول محور قفقاز، سوریه، غزه و حتی جنگ اوکراین را در بر می‌گیرد.

یکی از محورهای اصلی این سفر، احیای فعال‌تر سازوکار «شورای همکاری در سطح عالی» است؛ نهادی که از سال ۲۰۱۴ میان دو کشور شکل گرفته و در دوره‌هایی توانسته بستر تصمیم‌گیری‌های کلان را فراهم کند. قرار است دو طرف درباره آمادگی‌ها برای برگزاری نهمین نشست این شورا در سطح رؤسای‌جمهور رایزنی کنند. همکاری‌های امنیتی، مبارزه مشترک با تروریسم همچنین پیگیری پروژه‌های زیرساختی و عمرانی در نقاط مرزی در صدر گفت‌وگوها قرار دارد؛ موضوعاتی که طی ماه‌های اخیر بارها از سوی آنکارا و

دیپلماسی

پیشنهاد آلمانی

وزیر خارجه آلمان می‌گوید: آماده گفت‌وگو و مذاکره با ایران هستیم



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

روابط ایران و آلمان که سال‌ها بر پایه تعامل محتاطانه، منافع اقتصادی مشترک و تلاش برای مدیریت اختلاف‌ها شکل گرفته بود این روزها وارد مرحله‌ای بی‌سابقه از تنش و بی‌اعتمادی شده است. سخنان تند نمایندگان آلمان در سازمان ملل همراه با ورود رسمی برلین به روند فعال‌سازی مکانیسم ماشه در کنار بریتانیا و فرانسه، معادلات دیپلماتیک را وارد فضای متفاوتی کرده است؛ فضایی که در آن اروپا مدعی است، ایران تعهدات هسته‌ای خود را نقض کرده و تهران نیز تأکید دارد، طرف‌های اروپایی و آمریکا اولین ناقضان برجام بوده‌اند.

در تازه‌ترین موضع‌گیری «ریکیلف بویتن» نماینده آلمان در سازمان ملل، ایران را به «عدم پایبندی کامل به تعهدات» متهم کرد و گفت: «ما برای سال‌ها با ایرانی‌ها در تماس بودیم اما اقدامات کافی ندیدیم و آنها تمام تعهدات خود را نقض کردند. برای همین پس از هشدارهای مکرر، مکانیسم ماشه را فعال کردیم؛ البته این پایان دیپلماسی نیست و آماده گفت‌وگو با ایران هستیم.» او در ادامه بر لزوم شفاف‌سازی درباره مواد هسته‌ای و برنامه اتمی ایران تأکید کرد و گفت، کشورهای عضو سازمان ملل باید برای جلوگیری از گسترش سلاح هسته‌ای «اقداماتی قاطع» انجام دهند.

این موضع‌گیری تند در حالی صورت می‌گیرد که وزارت خارجه آلمان نیز قبل‌تر بیانه‌ای صادر کرده و با تکرار ادعاهایی مشابه اعلام کرده بود: «ایران به تعهدات خود ذیل برجام عمل نکرده و چاره‌ای جز اعمال تحریم علیه این کشور باقی نمانده است.» برلین تأکید کرد، ایران هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد و آلمان آمادگی دارد برای دستیابی به «توافقی جدید» وارد گفت‌وگو شود. در واقع، نوع ادیبانی در این روزها از سوی مقامات آلمانی شنیده می‌شود، تفاوتی آشکار با گذشته‌های نه‌چندان دور دارد؛ زمانی که برلین سعی می‌کرد در نقش میانجی یا حداقل بازیگر متعادل‌تری میان تهران و اروپا باشد.

در سوی دیگر، ترونیکی‌ای اروپایی بدون اشاره به خروج یک‌طرفه آمریکا از برجام و نقض‌های مکرر خود اروپایی‌ها، ایران را «عامل اصلی فروپاشی توافق هسته‌ای» معرفی کرده‌اند.



تهاجمی‌تر بدل شود. هم‌زمان با شدت‌گیری مواضع آلمان و سه کشور اروپایی، فرانسه نیز بار دیگر از ایران خواسته است همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از سر گیرد. بنا بر بیانیه وزارت خارجه فرانسه، «ژان نوبل بارو» در دیدار با «سیدعباس عراقچی» بر لزوم بازگشت ایران به تعهدات پادمانی و اهمیت دستیابی به توافقی پایدار تأکید کرده و گفته است: «ایران هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد و راحل دیپلماتیک تنها مسیر ممکن است.» این مواضع بار دیگر نشان می‌دهد، اروپا تلاش دارد پرونده هسته‌ای را به‌گونه‌ای مدیریت کند که ضمن حفظ فشار بر ایران، در مذاکره را نیز باز نگه دارد. در سوی مقابل، ایران نیز تلاش کرده مسیر گفت‌وگو را حتی در شرایط پر تنش حفظ کند. سیدعباس عراقچی در توضیح سفر اخیرش به فرانسه، اعلام کرده بود این سفر بخشی از رایزنی‌های مستمر میان تهران و پاریس است؛ رایزنی‌هایی که شامل موضوعات دوجانبه، مسائل منطقه‌ای و البته پرونده هسته‌ای می‌شود. او تأکید کرده، ایران و فرانسه اختلاف‌نظرهای زیادی دارند اما همواره گفت‌وگوهای سیاسی میان دو کشور برقرار بوده است. تماس‌های اخیر رؤسای‌جمهور ایران و فرانسه نیز نشان می‌دهد هر دو طرف تلاش کرده‌اند در اوج بحران‌های دیپلماتیک حداقل سطحی از ارتباط را حفظ کنند.

با این حال روند تحولات نشان می‌دهد که برای تهران، چالش اصلی در هفته‌ها و ماه‌های آینده، تغییر رفتار آلمان و همسوی روزافزون این کشور با لندن و پاریس خواهد بود. برلین اکنون برخلاف گذشته نه‌تنها نقش میانجی ندارد بلکه در برخی موارد حتی از مواضع تندتر نیز دفاع می‌کند. برخی تحلیلگران معتقدند تحولات سیاست داخلی آلمان، تغییر رهبران سیاسی در اروپا و فشارهای آمریکا بر کشورهای اروپایی موجب شده، آلمان نیز از سیاست‌های سنتی خود فاصله بگیرد. نتیجه این تغییرات، فضایی است که ایران باید با آن با دقت بیشتری مواجه شود. افزایش فشارهای سیاسی، بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، حمایت‌های تلویحی برخی قدرت‌ها از حملات علیه تأسیسات هسته‌ای ایران و رفتار دوگانه نهادهای بین‌المللی، همه و همه نشان‌دهنده مرحله‌ای جدید از مواجهه میان ایران و اروپاست. در چنین شرایطی، حفظ آمادگی برای گفت‌وگو همراه با ایستادگی بر منافع ملی، مهم‌ترین اولویت سیاست خارجی ایران خواهد بود.



تاریخی و ژئوپلیتیکی عمیق همواره دارای فراز و فرود بوده اما سفرهای متقابل اخیر و تداوم گفت‌وگوهای سطح بالا نشانه‌ای از تلاش مشترک برای حفظ حداقلی از هماهنگی در فضای رقابتی منطقه است. سفر اخیر عراقچی به آنکارا در ژوئن ۲۰۲۵ و پیش از آن برگزاری هشتمین نشست شورای همکاری در ژانویه ۲۰۲۴ بخشی از همین روند گفت‌وگوهای پیوسته است. با این حال اظهارات پر سروصدای گذشته فیدان درباره هزینه‌های ایران در عراق و سوریه و انتقادات غیرمستقیم او از نقش منطقه‌ای تهران بر پیچیدگی روابط افزوده است. او پیش‌تر گفته بود، ایران برای حفظ نفوذ خود در دو کشور عربی، بهایی بیش از دستوردهایش پرداخته است؛ اظهاراتی که بازتاب گسترده‌ای داشت. اکنون بسیاری ناطرند که آیا این سفر می‌تواند، فضای جدیدی بین تهران و آنکارا رقم بزند یا خیر.

آمریکای لاتین

دستور بستن آسمان!

پیام مهم ترامپ درباره حریم هوایی ونزولا

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا با انتشار پیامی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی «تروث‌سوشال» از تمامی شرکت‌های هوپامایی، خلبانان همچنین قاچاقچیان مواد مخدر و انسان‌خواست که «حریم هوایی بالای ونزولا و مناطق اطراف آن را بسته تلقی کنند.» انتشار این پیام در شرایطی صورت گرفته که تنش‌ها میان واشنگتن و کاراکاس طی ماه‌های اخیر شدت گرفته و ایالات متحده عملیات نظامی و امنیتی متعددی را در مناطق کارائیب و اطراف ونزولا انجام داده است. رئیس‌جمهور آمریکا پیش‌تر در سخنرانی خود خطاب به نیروهای نظامی این کشور اعلام کرد که واشنگتن به‌زودی عملیات زمینی علیه گروه‌های متهم به قاچاق مواد مخدر در ونزولا را آغاز خواهد کرد. این اظهارات که از اقامتگاه مار-آ-لاگو به‌صورت مجازی پخش شد، مرحله تازه‌ای از تشدید فشارهای نظامی دولت ترامپ علیه دولت نیکولاس مادورو اریزایی می‌شود و می‌تواند، دامنه عملیات موسوم به «نیزه جنوبی» را از عرصه دریایی به خاک ونزولا گسترش دهد. ترامپ در این سخنرانی با اشاره به فعالیت نیروی هوایی و نقش آن در «بازدارندگی قاچاقچیان ونزولایی» گفت، نیروهای آمریکایی به زودی مسیرهای زمینی قاچاق را نیز هدف قرار خواهند داد. وی تصریح کرد: «افرادی که قبلاً از مسیر دریا محموله جابه‌جا می‌کردند حالا تمایل‌شان کمتر شده است و ما نیز خیلی زود از طریق زمین متوقف‌شان خواهیم کرد. زمین آسان‌تر است و این کار به‌زودی آغاز می‌شود.» این‌ا اعلام پس از آن صورت می‌گیرد که آمریکا از مرداد امسال تاکنون دست‌کم ۲۱ حمله هوایی علیه قایق‌های متهم به حمل موادمخدر در دریای کارائیب و اقیانوس آرام شرقی انجام داده و بنا به گزارش‌ها بیش از ۸۳ نفر در این حملات کشته شده‌اند. دولت آمریکا مدعی است بسیاری از این قایق‌ها متعلق به ونزولا بوده‌اند و ترامپ این فعالیت‌ها را به «دولت مادورو» نسبت می‌دهد.



پایانی غیروفا دار

انتقاد دختر آلبر کامو به پایان‌بندی فیلم «بیگانه»



اقتباس سینمایی جدید فرانسوا اوزون از رمان «بیگانه» آلبر کامو بار دیگر بحث‌های قدیمی حول استعمار فرانسه در الجزایر را زنده کرده اما یکی از مهم‌ترین واکنش‌ها به این فیلم از سوی کاترین کامو، دختر ۸۰ ساله نویسنده، مطرح شده است؛ کسی که سال‌هاست، میراث ادبی پدرش را حفظ و مدیریت می‌کند. کاترین کامو که نسخهٔ نهایی فیلم را دیده، می‌گوید این اقتباس را در مجموع بسیار خوب می‌داند اما به باور او اوزون در بخش پایانی از متن اصلی فاصله گرفته و گرفتار تصحیح‌های سیاسی شده است. انتقاد اصلی او به برجسته کردن نقش خواهر مرد عرب کشته‌شده در فیلم بازمی‌گردد، شخصیتی با نام جمیله که در رمان کامو هیچ‌گاه نام و حضوری مستقل ندارد.

در نسخهٔ اوزون، آخرین نمای فیلم، جمیله را بر مزار برادرش با سنگ قبری که نام موسا حمدانی بر آن نوشته شده، نشان می‌دهد؛ صحنه‌ای که به باور کاترین کامو در کتاب وجود ندارد و با روح اثر در تناقض است. او می‌گوید: «تصویر می‌کنم اوزون این بخش را برای جلب رضایت گرایش‌های روز انجام داده است.»

به گزارش گاردین، فرانسوا اوزون پیش از تولید فیلم به خانه کاترین کامو رفت و توانست، اعتماد او را برای ساخت این اقتباس جلب کند؛ اعتمادی که پیش‌تر نصیب بسیاری از فیلم‌سازان نشده بود. فرانسوا اوزون در پاسخ به انتقاد کاترین کامو گفته، افزودن نقش جمیله کشیدن نخ ظریفی از بافتی بوده که کامو در کتاب مطرح کرده اما بسط نداده است. به گفتهٔ او «شخصیت جمیله در فیلم صدایی به آن بخش نامرئی‌شدهٔ جامعه می‌دهد؛ جامعه‌ای که در داستان و دادگاه حتی نام قربانی عرب هم برده نمی‌شود.» این اختلاف‌نظرها در حالی مطرح می‌شود که «بیگانه» هم چنان یکی از مناقشه‌برانگیزترین آثار ادبیات فرانسه است و هرگونه بازخوانی یا اقتباس از آن بحث‌های تازه‌ای درباره استعمار، هویت، سکوت‌های روایت و جایگاه قربانیان در جهان‌بینی کامو ایجاد می‌کند.

فیلم «بیگانه» فرانسوا اوزون نخستین نمایش جهانی خود را در هشتادومین جشنوارهٔ فیلم ونیز و در بخش مسابقهٔ اصلی تجربه کرد. نخستین بار لوکسینو ویسکوتی، کارگردان ایتالیایی اقتباسی از رمان «بیگانه» را در سال ۱۹۶۷ به سینما آورد و مارچلو ماسترویانی در این فیلم بازیگر نقش اصلی بود و فیلم در نهایت اثر موفقی نشد. گفته می‌شود ویسکوتی برای این فیلم خواستار حضور آلن دلون در نقش اصلی بود که البته با مخالفت استودیو سازنده فیلم مواجه شد.

رمان کوتاه «بیگانه» سال ۱۹۴۲ منتشر شد. داستان در الجزایر می‌گذرد و قهرمان آن، مورسو، آدمی بی‌تفاوت و بیگانه با دنیای پیرامونش است. واکنش احساسی مورسو به همه‌چیز تقریباً صفر است. او آدم می‌کشد اما نه به دلیل خشم، نفرت یا انتقام بلکه در نتیجهٔ آفتاب سوزان ظهر. «بیگانه» روایت مردی است که در جهانی بدون معنا، بدون احساس گناه یا پایبندی به ارزش‌های مرسوم زندگی می‌کند و نیز دعوتی است به پذیرش بی‌معنایی جهان، ایستادن در برابر حقایق قراردادی با صداقت و

آرامش. آلبر کامو در این رمان با زبانی ساده به‌نوعی، یک شیوهٔ زیست و شناخت جهان ارائه کرده است.

مورسو نمادی از انسانی است که با جامعهٔ خود بیگانه شده و به دنبال معنایی در پوچی وجودی می‌گردد. سکوت مورسو در مقابل پرسش‌های پیرامون احساساتش نسبت به مرگ مادر یا انگیزه‌اش برای قتل، می‌تواند نمادی از امتناع انسان از ارائهٔ پاسخ‌های متعارف به انتظارات اجتماعی باشد. به دلیل ابهام و نمادگرایی زیاد، «بیگانه» تفسیرهای مختلفی را به خود دیده است. برخی آن را روایتی از پوچی و بی‌معنایی زندگی می‌دانند، در حالی که دیگران آن را نقدی بر جامعه و سیستم قضایی می‌بینند. برخی نیز این اثر را نوعی خودزندگی‌نامه فلسفی از کامو می‌دانند که در آن، نویسنده به بررسی تاریکی‌های ذهن انسان مدرن پرداخته است.

نام برداشتن در تاریکی

با وجود اینکه برخی «بیگانه» را به دلیل سبک بی‌احساسی‌اش سرد و خسته‌کننده می‌دانند اما این رمان به دلیل بررسی عمیق مفاهیم فلسفی در قالب یک روایت ساده مورد تحسین بسیاری از منتقدان و خوانندگان قرار گرفته و یکی از بهترین کتاب‌های آلبر کامو و ادبیات قرن بیستم است. «بیگانه» در زمان انتشار با استقبال متفاوتی روبه‌رو شد. برخی آن را شاهکاری بی‌نظیر دانستند، در حالی که دیگران به دلیل تاریکی و بی‌تفاوتی شخصیت اصلی، آن را نامفهوم و ناخوشایند یافتند. با گذشت زمان، این اثر به یکی از مهم‌ترین رمان‌های ادبیات جهان تبدیل شد و در سطح جهانی نیز مورد تحسین قرار گرفت. امروزه «بیگانه» به عنوان یکی از نمادهای ادبیات مدرن شناخته می‌شود.

بسیاری از نویسندگان معاصر از جمله ژان پل سارتر و ساموئل بکت، تحت‌تأثیر سبک و درون‌مایه‌های «بیگانه» قرار داشتند. با وجود تاریکی و پیچیدگی هایش، «بیگانه» همچنان خوانندگان را مجذوب خود می‌کند. این رمان نه تنها بازتابی از ذهن پریشان و جست‌وجوگر کامو است بلکه تصویری از بحران‌های وجودی انسان مدرن را نیز به نمایش می‌گذارد. خواندن آن مانند قدم گذاشتن به دنیایی از تاریکی و نور است؛ دنیایی که در آن مرز بین واقعیت و خیال محو می‌شود و خواننده را به تفکر عمیق درباره زندگی و مرگ وامی‌دارد. «بیگانه» اثری است که خواننده را با چالش‌های عمیق فلسفی دربارهٔ زندگی، مرگ و معنای هستی روبه‌رو می‌کند. این کتاب، پلی میان داستان و تفکر فلسفی است که هر خواننده‌ای را به تأمل وادار می‌کند.

«بیگانه» اولین بار توسط علی اصغر خبرزاده با ویراستاری و تصحیح جلال آل‌احمد به فارسی برگردانده شد. پس از آن‌ها مترجمان متعدد دیگری این کتاب را به فارسی برگردانده‌اند که از جمله می‌توان به امیرجلال‌الدین اعلم، کاوه میرعباسی، خشایار دیهیمی، لیلی گلستان، مدیا کاشیگر، محمدرضا پارسایار و پرویز شهدی اشاره کرد.

دکتر رضا داوری اردکانی، فیلسوف معاصر و رئیس سابق فرهنگستان علوم در واکنش به مشاجرات و مناقشات دربارهٔ سرمنشاء فلسفه در صفحه اینستاگرام خود نوشت:

من دلم سخت گرفته است

از این میهمانخانه مهمانکش روزش تاریک

در این روزها حال خوشی ندارم ولی این ناخوشی در سن و سال من طبیعی است. مهم این است که ایران ناخوش نباشد. گزارش وضع اقتصاد، سیاست، فقر و فساد را به اهلس وا می‌گذارم. پیشهٔ من فلسفه است که متأسفانه مدت‌هاست دیگر وضع و حال خوبی ندارد و چیزی نمانده است که در نزاع‌ها و جدال‌های سرگرم‌کننده و غفلت‌افزای موسوم به مناظرهٔ سیاسی، مستهلک شود. فلسفه سخن کوچه و بازار نیست، با شعار هم میانه‌ای ندارد ولی وقتی دیگر تفکر و حتی پژوهش فلسفی جایی ندارد و فلسفه به کالا، ملک و مالی تبدیل شده است که بر سر تملک آن با هم نزاع می‌کنند چه می‌توان کرد؟

فلسفه به هیچ قوم، کشور و منطقه‌ای اختصاص ندارد

از جمله چیزهایی که این روزها دربارهٔ آن بسیار می‌گویند یکی هم این است که مورخان فلسفه تاریخ را براساس غرب‌محوری نوشته و منکر شده‌اند که یونانیان، فلسفه را از ایرانیان آموخته‌اند. این مطلب مهمی است که می‌توان و باید در باب آن تحقیق کرد و مشکل آن با پیروی از رسم شعار دادن حل و رفع نمی‌شود. چیزی که اهل فلسفه می‌دانند و باید بدانند این است که فلسفه ملک، مال و میراث هیچ‌کس، هیچ قوم و مردمی نیست. افلاطون و ارسطو یونانی‌اند اما یونانیان آن‌ها را چنان‌که مراکز علمی اروپای غربی می‌شناسند، نمی‌شناساند. هیچ‌یک از فیلسوفان دورهٔ جدید هم یونانی نیستند. فلسفه به هیچ قوم، کشور و منطقه‌ای اختصاص ندارد و اگر در جایی فلسفه وجود داشته و اکنون نیست، اهالی آنجا به جای مفاخرت و دعوی مالکیت فلسفه بهتر است اندکی به معنی و ماهیت فلسفه و تفاوتش با علوم و معارف دیگر به‌خصوص با حکمت بیندیشند. این اندیشیدن به احتمال قوی آن‌ها را از سودای خردسوز تملک

جشنواره جهانی فیلم فجر

چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر، نشست‌های متعددی دارد به‌طوری که اهالی رسانه ناچارند چندین نشست و کارگاه آموزشی را در روز پوشش دهند. حداقل روزی ۵ نشست در این جشنواره برگزار می‌شود که تعدادی از آنها نشست‌های خبری پس از فیلم‌ها هستند و تعدادی هم نشست‌های تخصصی و کارگاهی هستند که در طول برگزاری جشنواره برپا می‌شوند. نشست خبری فیلم سینمایی «زمانی در ابدیت» به کارگردانی مهدی نوروزیان و تهیه‌کنندگی نیکی کریمی شامگاه جمعه ۷ آذرماه در مجموعه سینمایی هنر شهر آفتاب برگزار شد.

در ابتدای این نشست، مهدی نوروزیان بیان کرد: من می‌خواستم از جشنواره جهانی فیلم فجر تشکر کنم که اجازه دادند این فیلم در اینجا اکران شود. جشنواره به‌خوبی در حال برگزاری است و صدا و تصویر فیلم در سینما بسیار خوب بود. برای من سخت است که درباره سوزه فیلم توضیح بدهم. از ابتدا هم تصمیم این بود که نشان دهیم به ذهنیت یک خانم برویم که ۷ سال موتورش روشن است اما نمی‌تواند حرکت کند با این حال همین زن قدرت و عشق دارد. آنچه او را همیشه نگه می‌داشت، حفظ آن یادگاری‌ها بود، وقتی آن عشق از دست رفت، او معلق ماند. مهم‌ترین تصمیم این بود که فیلم به چه فرمی شروع و تمام شود. یکی از مهم‌ترین گزینه‌های این فیلم این بود که چگونه حس مریم را به تماشاگر توضیح بدهیم تا او هم حس کند.

نوید پورفرج، بازیگر این فیلم هم در ادامه این نشست گفت: خوشحالم که بعد از چند سال به شیراز می‌آیم و از آب و هوای وحشتناک تهران فرار کردیم. می‌خواهم قبل از هر موضوعی درباره مردم صحبت کنم، امیدوارم معیشت مردم رو به بهبود برود، آلودگی، تورم، مشکلات آب و برق مرتفع شود و من هم تلاشم را می‌کنم در عرصه بازیگری برای لحظاتی حال مردم را خوب کنم.

سیس مرجان اتفاقیان، دیگر بازیگر این فیلم ادامه داد: خوشحالم که در کنار شما و در شهری هستم که خودش و مردمانش را دوست دارم و در کنار مردم این شهر فیلم را دیدم.

کارگردان «زمانی در ابدیت» اظهار کرد: من نمی‌خواهم از فیلم دفاع کنم

عبور از نزاع‌ها

واکنش دکتر رضا داوری به مشاجرات و مناقشات دربارهٔ سرمنشاء فلسفه

فلسفه می‌رھاند، زیرا کسی که می‌داند فلسفه چیست با فلسفه به سر می‌برد و پروای دعوی تملک فلسفه نمی‌کند. اینجا در باب این‌که آیا تاریخ فلسفه، غرب‌محور است، بحث نمی‌کنیم. فارابی و ابن سینا هم مسلماً از حکمت و علم قدیم ایران، مصر، چین، هند و به‌طور کلی شرق قدیم تا حدودی باخبر بوده‌اند اما آیا این هر دو بزرگ در کتاب‌های منطق، طبیعیات، ریاضیات، حتی الهیات، اخلاق و سیاست به فلسفه یونانی و به تفسیرهای حوزه‌های اسکندریه، انطاکیه، مرو و بغداد مراجعه نکرده و صرفاً تعالیم دهان به دهان رسیده از نیاکان خود را بازگفته‌اند؟

می‌گویند، یونانیان فلسفه را از ما آموخته‌اند. البته یونانیان با حکمت ایرانی آشنا بوده و به آن احترام می‌کرده‌اند اما حکمت، علم یگانه با عمل است و آن را با علم نظری، بحثی و آموختنی اشتباه نباید گرفت. معروف است که فیثاغورث به ایران سفر کرده و با بعضی از مغان ملاقات داشته و حکمت ایرانی را آموخته و به حکم دعاوی مدعیان قاعدتاً باید آن را بدون تصرف به همان صورت بسته‌بندی شده به سقراط و شاگردانش هدیه کرده باشد. کاش یکی از مدعیان فاضل آزاده از غرب محوری، تحقیق می‌کرد که یونانیان چگونه و از چه طریق به حکمت نیاکان ما دست یافتند و آن را ملک خود قلمداد کردند. از این نکته مهم نیز غافل نباید شد که وقتی گفته می‌شود غرب، علم و فلسفه را از ما گرفته است باید به پاسخ این پرسش بیندیشیم که چرا و چه شد که ما علم داشتیم و آن را واگذاشتیم و رها کردیم و آنان که نداشتند از ما فراگرفتند و حفظ کردند و پیش بردند. مردمی که نیاکان‌شان دانا و بافرهنگ بوده‌اند، حق دارند به دانایی نیاکان خود مباهات کنند اما این مباهات در صورتی موجه است که اکنون هم اهل دانایی و در طلب آن باشند زیرا دانا بودن و خردمندی پدر، فرزند را از خرد و دانایی بی‌نیاز نمی‌کند. وقتی اهل فلسفه به جای تحقیق و تأمل در تاریخ و وضع روزگار، شعار می‌دهند، به قول شاعر: مثل يك ابر دلم می‌گیرد.

این دعوی‌ها و نزاع‌ها، نشانه خوبی نیست و با تفکر و فلسفه نسبتی ندارد. کاش می‌توانستیم به جای دعوی مالکیت فلسفه،

اما موضوعی که برای من مهم بود، این بود که احساس این خانم در تصویر و به هر شگردی به مخاطب منتقل شود. ما درباره چندین موضوع در فیلم صحبت می‌کنیم و فیلم تنها درباره مریم نیست. او زنی است که همسرش را از دست داده و ۷ سال تنها بوده، فرم فیلم شاعرانه است و دید شاعرانه دارد پس باید وقت بدهیم که همه چیز سر جایش باشد. من این را اشکال نمی‌دانم بلکه چیزهای دیگر را اشکال می‌بینم.

پورفرج در بخش دیگری از صحبت‌هایش در این نشست گفت: دوست





سینمای شاعرانه در قالب جشنواره

جشنواره جهانی فیلم فجر محلی برای اکران فیلم‌های شاعرانه است

سینمای شاعرانه رویکرد چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر است. اما متأسفانه کمتر درباره شعار این دوره صحبت شده است. در واقع شعار جشنواره امسال «در ستایش زندگی» است که در کنار رویکرد شاعرانگی، نخ تسبیح تمامی آثار حاضر در این رویداد به‌شمار می‌رود. دلایل بسیاری باعث شد تا سینمای شاعرانه به‌عنوان رویکرد چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر انتخاب شود. سینمای شاعرانه تم معمولی در سینمای جهان بوده و دارای سابقه‌ای طولانی است. این نوع از سینما، ابداع ما نیست اما عموماً در سیاست‌گذاری‌های سینمایی کشور مغفول مانده است و در این افعال، دولت و سینماگران هر دو نقش داشته‌اند.

حسینی ادامه داد: «شعر» یکی از مؤلفه‌های اصلی فرهنگی در ایران محسوب می‌شود. در واقع شکله فرهنگی هویتی ما با شعر و شاعرانگی پیوندی دیرینه دارد. مزیت فرهنگی ایران نسبت به دیگر کشورها از دوره کلاسیک تا به امروز شعر بوده است. من خود بسیار به شعر علاقه‌مند هستم و تعدادی کتاب شعر نیز به سه زبان منتشر کرده‌ام. شعر همواره علاقه شخصی من بوده است و همواره آثاری را در سینما دنبال کرده‌ام که دارای سوبه‌های شاعرانگی بوده‌اند. براساس پژوهش‌ها و مطالعاتی که درباره سینمای ایران و جهان داشتم، می‌دانستم برگ برنده سینمای ایران که باعث شده این هنر در جامعه جهانی شهرتی پیدا کند، مزیت شاعرانگی بوده است و فکر کردم، می‌توانیم در سینمای خود، بار دیگر به این ویژگی بازگردیم. سینمای ایران دارای تعداد بسیار زیادی فیلم با تم شاعرانگی است و شاخص‌ترین چهره آن، عباس کیارستمی است. به همین دلیل رویکرد «سینمای شاعرانه» را به‌عنوان یک سیاست کلی برای این دوره از جشنواره در دستور کار قرار دادیم و امیدوارم در ادوار آتی نیز این رویکرد ادامه پیدا کند.

سینمایی که برای برگزاری این جشنواره در شیراز در نظر گرفته شده، هنر شهرآفتاب است که مولتی پلکسی خارج از مرکز شهر است. وقتی ایران‌مال به‌عنوان میزبان چهل‌ودومین جشنواره فیلم کوتاه تهران انتخاب شد، رسانه‌ها واکنش‌های زیادی به‌خاطر مسافت زیاد آن نسبت به تهران و مرکز شهر نشان دادند. در این سمت هنگام انتشار خبر میزبانی جشنواره جهانی فجر توسط هنر شهرآفتاب شیراز برخی وسعت آن را با ایران‌مال مقایسه کردند. پس از شروع جشنواره و حضور مهمانان در شهر شیراز مشخص شد که این شباهت تنها در وسعت خلاصه نمی‌شود. هنر آفتاب شیراز از لحاظ وسعت و البته مسافت با ایران‌مال قابل قیاس است! به‌طور دقیق هنر آفتاب شیراز نیز همچون ایران‌مال خارج از شهر واقع شده و برای رفتن به آن باید مسیر زیادی را طی کرد. مخاطبان و مهمانان جشنواره جهانی زمانی معادل ۴۰ الی ۴۵ دقیقه برای رفتن و همین زمان را برای بازگشت به اقامتگاه خود طی می‌کنند.

چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر در حالی چهارمین روز خود را پشت سر می‌گذارد که برخی از فیلم‌ها به سانس فوق‌العاده رسیدند و غرفه‌های بازار کار خود را آغاز کردند و مهمانان بین‌المللی به تماشای فیلم‌های دیگران می‌نشینند و نشست‌های نقد و بررسی تمامی آثار هم پس از نمایش آنها برگزار می‌شود.

نوری بیلگه جیلان، کارگردان شهیر و برنده جایزه نخل طلای کن، وقتی به‌عنوان رئیس هیات داوران چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر انتخاب شد، توجه خیلی‌ها را به جشنواره جهانی جلب کرد. جشنواره‌ای که با توجه به جنگ ۱۲ روزه و برخی فشارهای بین‌المللی، امید به برگزاری آن کم‌رنگ شده بود. کارگردان فیلم سینمایی «خواب زمستانی» در فضای مجازی توسط برخی تکریم و توسط آنهایی که به وطن خود پشت کرده بودند مورد عتاب قرار گرفت. در ادامه وقتی مراسم افتتاحیه این رویداد در غیاب جیلان برگزار شد، افرادی مدعی غیبت او در تمام روزهای جشنواره شدند. چند ساعت مانده به آغاز نخستین روز از جشنواره جهانی اما جیلان وارد فرودگاه شیراز شد و بار دیگر توجه رسانه‌ها را به‌خود جلب کرد. ورود این کارگردان به شیراز در حالی بود که کانون فیلم‌سازان به‌اصطلاح مستقل ایران در خارج از کشور طی نامه‌ای از او خواسته بودند تا به ایران نرود و پرچم تحریم جشنواره فجر را علم کرده بودند. پرویز جاهد(منتقد سینما) که سال‌ها خارج از ایران فعالیت کرده در برنامه هفت پیرامون این موضوع عنوان کرد: ایران مهد سینمای خاورمیانه است، اینکه برخی افراد امضا جمع می‌کنند تا نوری بیلگه جیلان به ایران نیاید، نشان از مخالفت با فرهنگ ملی ایران است.

در بخشی از چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر ظرفیتی برای اکران فیلم‌های شاعرانه و مهم سینمای ایران ایجاد شده است. در این آثار که طی روزهای جشنواره در ساعت ۱۹:۳۰ در سالن شماره سه سینمای شهر هنر آفتاب شیراز برگزار می‌شود، فیلم‌های کارگردان‌های بزرگی ازجمله ناصر تقوایی، داریوش مهرجویی و علی حاتمی را در برمی‌گیرد. در روز نخست این بخش فیلم «درخت گلایی» اثر داریوش مهرجویی اکران شد. در روزهای دیگر «دلشدگان» از علی حاتمی، «ایران سرای من است» ساخته پرویز کیمیای، «کاغذ بی‌خط» به کارگردانی ناصر تقوایی و «اینجا چراغی روشن است» به کارگردانی رضا میرکریمی اکران خواهد شد. نکته قابل توجه در خصوص این بخش، مرمت و ترمیم فیلم‌هاست که فرصتی برای تماشای با کیفیت این آثار ایجاد کرده است. چراکه سینمای شاعرانه ارتباط نزدیکی با تصویر و زیبایی‌شناسی در میزانشن دارد. به همین ترتیب کیفیت خوب این آثار، موقعیتی برای کشف و شهود دوباره در آنها ایجاد می‌کند.

روح‌الله حسینی در ویژه‌نامه تلویزیونی «هفت» درباره رویکرد شاعرانه جشنواره امسال توضیح داد:



نیز بیاورد. اما ارسطو با طرح خرد عملی این نظم را تابع خرد و تدبیر قرار داد. ما سابقهٔ درخشان در حکمت داشتیم و در تفکر فلسفی نیز با یونان و یونانیان شریک شدیم؛ ولی اکنون‌مان زمان درهم‌آمیختگی میان جدید و قدیم است، به فلسفه هم با نگاه نه قدیم و نه جدید می‌نگریم و در آن بیشتر پشتوانه‌ای برای ایدئولوژی می‌جویم. با این تلقی، فلسفه به صورت بسته‌ای از معلومات و دستورالعمل‌ها درمی‌آید که باید علم و سیاست و اقتصاد را به سمت و سوی خاص هدایت کند. گاهی هم ایدئولوژی دیگر در طلب فلسفه به عنوان پشتوانه نیست بلکه آن را برای مقاصد کم و بیش جزئی به کار می‌گیرد. در چنین وضعی، زمان عقیم است. عقیم بودن زمان به معنی گسیختگی نسبت میان زمان و فلسفه نیست. زمان عقیم زمانی است که به فلسفه «نه» می‌گوید و نسبتش با فلسفه نسبت انکار و نفی و گاهی بی‌زاری است. اگر روا بود که به جای بحث از نسبت اکنون و فلسفه از نسبت خرد با اکنون بگویم، قضیه چندان دشوار نبود زیرا خرد عملی هر جا باشد، صلاح و درستی و دوستی هم هست و اگر در جایی سخن‌ها سست و بیهوده و کارها پریشان و آشفته و اوضاع در هم ریخته و ناپسامان باشد، معلوم است که خرد جایی ندارد و زمان مستعد اختلاف و نزاع و فساد است. نکتهٔ آخر این‌که خرد عملی همیشه فرع و نتیجه خرد نظری نیست. در تاریخ قدیم ایران و چین و هند، حکمت و خرد عملی منشأ آثار بزرگ بوده‌بی‌آن‌که فلسفهٔ نظری به معنی بحث در اعراض ذاتی وجود جایی داشته باشد و دشوار به نظر می‌رسد که از آموختن فلسفهٔ نظری، خرد عملی برآید. اما فلسفه به معنای تفکر به زندگی مردمان جان می‌بخشد و اساس علم و تحقیق را استوار می‌کند و شاید به فروبستگی افق آینده پایان دهد.»

فیلم چینی با فیلمنامه ترگس آبیار

نشست رسانه‌ای فیلم «چانگ آن، ششی آن» با حضور ژانگ ژونگ کارگردان اثر برگزار شد. فیلمنامه این فیلم را ترگس آبیار، نوشته است.

در ابتدای این نشست ژانگ ژونگ، کارگردان این فیلم گفت: من اهل شهر پکن هستم و به‌عنوان فیلمساز و استاد دانشگاه فعالیت می‌کنم. این فیلم نخستین اثری است که با همکاری کشور ایران تولید کرده‌ام. شهر چیان در کشور چین با جاده ابریشم در ارتباط بوده و به همین دلیل، نام آن در عنوان فیلم مورد استفاده قرار گرفته است. این فیلم اولین همکاری میان ایران و چین در زمینه سینما و فیلمسازی است. از آنجایی که این کشور در زمینه‌های مختلف همکاری و روابط نزدیکی دارند، عنوان آن به‌صورتی انتخاب شده است که ارتباط میان ایران و چین را بیان کند.

او ادامه داد: ایران و چین دارای تمدن‌های باستانی هستند که از زمان‌های بسیار دور با یکدیگر ارتباط داشته‌اند و خوشبختانه روابط نزدیک میان آنها همچنان حفظ شده است. در این فیلم عواملی نظیر فیلم‌بردار، فیلمنامه‌نویس و صدابردار ایرانی بودند. ضمن اینکه ترگس آبیار، فیلمنامه این فیلم را به نگارش درآورده است. ژونگ درباره همکاری با ترگس آبیار، نویسنده و فیلمساز مطرح ایرانی، یادآور شد: ابتدا با او از طریق اینترنت ارتباط گرفتیم سپس خانم آبیار به چین آمد و مذاکرات نهایی ادامه پیدا کرد. او فیلمنامه را به زبان ایرانی نوشت سپس به زبان چینی ترجمه شد.

این فیلمساز همچنین درباره چارچوب و ساختار روایی این اثر توضیح داد: این فیلم دارای سه خط داستانی است و اولین آن در بستر یک رابطه عاشقانه شکل گرفته است. این فیلم همچون پنجره‌ای است که مخاطب را با واقعیت‌ها آشنا می‌کند. شخصیت این فیلم خانمی است که آبیار در پردازش پرسوناژ او، مشکلات زنان در حوزه احساسی و اجتماعی را مدنظر قرار داده است. در این فیلم شخصیت اصلی خاطرات قدیمی خود را مرور می‌کند، در حالی که در آخر متوجه بیماری ذهنی او و شمایل رویاگونه افکارش می‌شویم.

این استاد دانشگاه در خصوص همکاری با عوامل ایرانی در فیلم «چانگ آن، شی آن»، یادآور شد: از آنجایی که با کشورهای زیادی مانند قزاقستان، روسیه، کره شمالی و... همکاری داشته‌ام، برایم باعث افتخار بود که توانستم با ایران همکاری داشته باشم. ایرانی‌ها دارای شخصیت بسیار خوبی بوده و در کار خود حرفه‌ای هستند. فیلم‌های ایرانی در سطح جهان شناخته شده بوده و برای عمده مخاطبان دارای اثر احساسی بالایی هستند. من به کشور ایران بسیار علاقه‌مند هستم و خوشحالم که در جشنواره جهانی فجر شرکت دارم.

به آن رو کنیم و به مدد آن از نزاع‌ها و کینه‌ها آزاد شویم و معنی زندگی را دریابیم.

زمانه عقیم

دکتر داوری هفته گذشته هم در پیامی که به نشست «خردورزی؛ رسالت جاودان فلسفه در حیات بشری» به مناسبت روز جهانی فلسفه، چهارم آذر در سالن همایش‌های مرکز نشر دانشگاهی ایران برگزار شد، متذکر شد: ما وارث فلسفه دورهٔ اسلامی هستیم و کم‌وبیش با فلسفه اروپایی هم آشنا شده‌ایم اما روزگاران میل و رغبتی به فلسفه ندادند و گردش امور چنان است که حتی به خرد و دانایی نیز احساس نیاز نمی‌شود. دوران بی‌نیازی از خرد، دوران عجیبی است. این دوران هرچه باشد، مجال مناسبی برای روکردن به فلسفه نیست. هرچند که وقتی این احساس به نهایت شدت برسد، می‌توان به روشن شدن چراغی امید بست که به ظلمت شب تاریک پایان دهد و نگذارد که جان‌ها به ستوه آید؛ ولی چنین حادثه‌ای کمتر پیش می‌آید.»

در بخش دیگری از پیام دکتر داوری با اشاره به تفاوت بین «حکمت» و «فلسفه» آمده: «نکته مهمی که باید به آن توجه داشته باشیم، این است که فلسفه به معنی اصطلاحی آن با حکمت تفاوت دارد. حکمت شاید همیشه در همه جا کم و بیش بوده است اما فلسفه به‌عنوان بحث و چون و چرا در وجود موجودات، تاریخ و جغرافیای معین دارد. سقراط که از جیستی چیزها پرسید، عنوان فیلسوفوس را برای خود برگزید و گفت که سو فی‌ا را از آسمان به زمین آورده است. شاگردش افلاطون کوشید، نظام آسمانی را به زمین و زندگی انسانی

داشتیم با آقای نوروزیان کار کنم و این فیلم فرصت مناسبی بود. من اکثراً نقش‌های نسبتاً مثبت بازی کرده بودم اما این کاراکتر در اینجا بدمن بود و دوست داشتم. بازی کنم ایشان هم به‌صورت فوق‌العاده هدایت می‌کرد. به نظرم «زمانی در ابدیت» فیلم خاص و متفاوتی است.

در ادامه لیلا حاتمی، دیگر بازیگر این فیلم هم به‌صورت تلفنی در این نشست حضور پیدا کرد و گفت: متأسفم که نتوانستم به جشنواره بیایم. من در این فیلم روی حالت مادر غایب نسبت به فرزندش فوکوس می‌کردم. او احساس خیانت به بچه داشت چون حواسش جای دیگر بود. این نقطه جالبی در فیلم بود. «زمانی در ابدیت» فیلم خاصی بود و قبلاً چنین فیلمی نداشتیم. از این نظر که به همان اندازه که غیرطبیعی بود، اتفاقاتش در یک بستر طبیعی هم رخ می‌داد و پیدا کردن این لحن سخت بود. از این نظر برای من سخت بود. از سوی دیگر فیلم قرار بود به من چیزی اضافه کند و من نگران اجرای آن نبودم. تجسم اینکه فیلم چگونه می‌شود سخت باشد، فیلم‌های این‌چنینی در بستر غیرطبیعی رخ می‌دهند اما در این فیلم، بستر اتفاقات بستر روزمره و یک ریسک برای من بود چون تجربه‌اش را نداشتم.



نوری بیلگه جیلان در جشنواره جهانی فجر



بازار سهام

عقب‌نشینی دسته جمعی

دلار چگونه آرامش بازار سهام را به هم زد؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بازار سهام دیروز در حالی با عقب‌نشینی شاخص‌ها به کار خود پایان داد که جهش ناگهانی نرخ ارز و افزایش سریع قیمت طلا، جریان نقدینگی را به کلی برهم زد. رشد دلار در بازار آزاد و صعود همزمان سکه و طلا باعث شد بخشی از سرمایه‌گذاران، مسیر خود را از بورس جدا کرده و به سمت دارایی‌های امن‌تر حرکت کنند. همین جابه‌جایی ناگهانی پول، فشار عرضه را در بسیاری از نمادها افزایش داد و شاخص‌هایی که طی روزهای گذشته نشانه‌هایی از ثبات و بازگشت اعتماد را بروز داده بودند، بار دیگر وارد فاز اصلاح شدند. دلار که معاملات پنج‌شنبه را در کانال ۱۱۴ هزار تومان به پایان رسانده بود، در معاملات روز جاری وارد کانال ۱۱۵ هزار تومان شد و بار دیگر مرزهای روانی را تحت تأثیر قرار داد. در بازار فیزیکی طلا و سکه نیز هر گرم طلای ۱۸ عیار به ۱۱ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسید و سکه امامی وارد محدوده ۱۲۱ میلیون تومان شد. افزایش قیمت‌ها تنها به بازار فیزیکی محدود نماند و صندوق‌های مبتنی بر طلا نیز با استقبال کم‌سابقه سرمایه‌گذاران مواجه شدند؛ به‌گونه‌ای که تنها طی چهار ساعت ابتدایی معاملات حدود ۳ هزار میلیارد تومان پول حقیقی وارد این صندوق‌ها شد. با این حال، دو شاخص اصلی بورس تهران بازدهی منفی مشابهی را ثبت کردند. شاخص کل در پایان معاملات نخستین روز هفته با کاهش ۰.۲۹ درصدی و افت حدود ۹ هزار واحد، در سطح ۳ میلیون و ۲۷۲ هزار واحد متوقف شد. شاخص هم‌وزن نیز کاهش ۰.۲۹ درصدی را تجربه کرد و کار خود را در سطح ۹۳۸ هزار واحد به پایان رساند. همسویی دو شاخص اصلی نشان می‌دهد، فشار فروش در کلیت بازار وجود داشته و مختص صنایع یا نمادهای خاص نبوده است. ارزش معاملات خرد نیز به زیر محدوده ۱۰ هزار میلیارد تومان سقوط کرد. در پایان روز شنبه ارزش معاملات خرد به ۹ هزار و ۸۴۹ میلیارد تومان رسید و همزمان خروج ۶۵۸ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار ثبت شد. حجم معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی به ۲۹.۴ میلیارد برگه سهم رسید اما ارزش معاملات نسبت به روز معاملاتی گذشته – که چهارشنبه هفته قبل بود و ارزش معاملات به حدود ۱۳ هزار میلیارد تومان رسیده بود – کاهش محسوسی داشت. سرانه خرید حقیقی‌ها نیز تنها ۵۰.۷ میلیون تومان بود در حالی که سرانه فروش به ۵۶.۳ میلیون تومان رسید تا بار دیگر نشان داده شود، تمایل حقیقی‌ها به سمت عرضه بیشتر است. نسبت قدرت خرید حقیقی‌ها عدد منفی ۱.۱۱ را نشان داد؛ رقمی که برتری آشکار سمت فروش را تأیید می‌کند. ورود و خروج پول حقیقی نیز با ثبت خروج ۶۵۹ میلیارد تومان ادامه یافت. این روند بیانگر آن است که جریان نقدینگی نه‌تنها یاری‌سان بازار نبود بلکه خروج سرمایه با شدت بیشتری ادامه یافته است. بررسی وضعیت نمادها نیز همین واقعیت را تقویت می‌کند. در پایان معاملات روز گذشته ۴۹۹ نماد با افت قیمت مواجه شدند و تنها ۳۱۰ نماد توانستند، رشد مثبت ثبت کنند. همچنین در بخش صف‌های معاملاتی ۱۲۵ نماد صف فروش داشتند و فقط ۸۷ نماد با صف خرید مواجه بودند. اختلاف قابل‌توجه میان صف‌های خرید و فروش، نشانی از بی‌تعادلی بازار و سنگینی کفه عرضه است.

یکی از نکات مهم معاملات دیروز، خروج ۱۸۱۴ میلیارد تومان پول از صندوق‌های درآمد ثابت بود. این خروج سنگین نشان می‌دهد، بخشی از سرمایه‌گذاران در حال جابه‌جایی سرمایه‌های خود هستند اما هنوز اثر این خروج در نمادهای سهامی دیده نمی‌شود. به‌نظر می‌رسد این منابع مالی بیشتر به سمت بازارهای موازی حرکت کرده است. همین موضوع در کنار افت همزمان شاخص کل و هم‌وزن و کاهش ارزش معاملات، بیانگر آن است که بخشی از سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در شرایط عدم قطعیت، خارج از جریان معاملات سهام باقی بمانند. در دقیقه پایانی معاملات، ارزش سفارش‌های خرید به ۱۶۰۹ میلیارد تومان رسید در حالی که سفارش‌های فروش ۸۹۶ میلیارد تومان بود. اگرچه ظاهراً سمت خرید برتری عددی داشت اما تمرکز سفارش‌ها در تعداد محدودی از نمادها و پراکندگی فشار فروش در سطح گسترده بازار باعث شد این برتری نتواند در روند کلی معاملات اثرگذار باشد. همین مسئله موجب شد شاخص‌ها نتوانند مسیر نزولی خود را تغییر دهند و بازار همچنان تحت فشار عرضه بسته شود.

چرخه همیشگی خشکسالی

خشکسالی امسال چه پیامدهای اجتماعی به دنبال دارد؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

وقتی معاون امور باغبانی وزیر جهاد کشاورزی اعلام کرد که کشور امروز با شدیدترین خشکسالی در ۵۲ سال گذشته مواجه شده است، نگاه بسیاری دوباره به گذشته برگشت؛ گذشته‌ای که در آن بدیامدترین خشکسالی یک قرن اخیر به نقطه‌ای تعیین‌کننده در تاریخ معیشت و جغرافیای انسانی ایران تبدیل شد. خشکسالی بدعاقبتی که در اوایل دهه ۱۳۵۰ رخ داد و هنوز هم در حافظه پژوه‌شگران، متخصصان آب و اقتصاددانان به‌عنوان یکی از سهمگین‌ترین دوره‌های بی‌آبی ثبت شده است؛ دوره‌ای که نه‌تنها بارش‌ها کاهش یافت بلکه بنیان‌های اجتماعی و اقتصادی بسیاری از مناطق آسیب‌پذیر را دگرگون کرد. روایت آن سال‌ها از دل خاطرات کسانی آغاز می‌شود که هنوز به یاد دارند چگونه باران، که زمانی نظمی سالانه داشت، ناگهان نایاب شد. روستاییان می‌گویند، زمستان‌هایی بود که آسمان ماده‌ها ابری نمی‌شد و بهارهایی که رودخانه‌های محلی از همان ابتدای فصل خشک بودند. در

بسیاری از مناطقی که امروز به نام‌های کوچک و پراکنده در نقشه دیده می‌شوند، چاه‌های یکی پس از دیگری کم‌عمق شدند و دلوهایی که زمانی با چند حرکت پر از آب می‌شد حالا فقط گل‌ولای پایین چاه را می‌بوید. افت سطح آب زیرزمینی در آن سال‌ها نخستین نشانه از بحرانی بود که بعدها در شهرها و حتی تصمیم‌گیری‌های حکومتی سایه انداخت. تأثیر این خشکسالی تنها در کاهش آب آشامیدنی خلاصه نمی‌شد. زمین‌هایی که نسل‌ها زیر کشت گندم، جو و یونجه بودند، کم‌کم بی‌خاصیت شدند. برخی زمین‌ها ترک برداشت و برخی دیگر چنان خشکید که گاواهن ریشانش سر می‌خورد و نمی‌توانست، سطح خاک را بشکافد. کشاورزانی که تا پیش از آن با حساب و کتاب‌های ساده روستایی زندگی‌شان را پیش می‌بردند حالا باید تصمیم می‌گرفتند که بمانند یا کوچ کنند. گروهی که می‌ماندند، چشم‌انتظار بارانی بودند که نمی‌آمد و گروهی که می‌رفتند به امید کاری هرچند کم‌درآمد، راه شهرها را در پیش می‌گرفتند. این موج مهاجرت در سال‌های پس از خشکسالی، نقشه انسانی بسیاری از شهرهای بزرگ را دگرگون کرد و حاشیه‌نشینی گسترده‌تری را رقم زد.

در همان روزها، فشار بر دامداران نیز کم نبود. مراتع از بین رفته بود و ذخایر علوفه به‌شدت کم شده بود. بسیاری از دامداران ناچار شدند، بخشی از دام خود را با قیمت‌هایی

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

هوش مجانی

چرا مردم حاضر نمی‌شوند برای هوش مصنوعی هزینه کنند؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

هوش مصنوعی با سرعتی خیره‌کننده در حال گسترش است و طی دو سال گذشته از مرحله یک فناوری نوظهور به یک ابزار روزمره برای میلیون‌ها نفر تبدیل شده است اما این فراگیری لزوماً به معنای تمایل کاربران به پرداخت هزینه برای استفاده از آن نیست. برآوردها نشان می‌دهد که از میان حدود ۸۰۰ میلیون کاربر ChatGPT تنها نزدیک به ۵ درصد حاضر شده‌اند برای نسخه‌های پولی اشتراک تهیه کنند. این آمار نشان می‌دهد اگرچه کنجکاوی و نیاز به استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی بسیار بالاست اما هنوز بخش بزرگی از کاربران ترجیح می‌دهند

بسیار پایین بفروشند چون توان نگهداری‌شان را نداشتند. داستان مردانی که گله‌هایشان را مثل فرزندشان دوست داشتند اما ناچار بودند آنها را کیلویی بفروشند، هنوز در برخی خانواده‌های روستایی نقل می‌شود. کاهش دامنه دامداری در آن سال‌ها نه‌تنها اقتصاد خانوارها را ضربه زد بلکه زنجیره گردش محصولات لبنی و گوشتی را هم با اختلال روبه‌رو کرد. در سطح ملی، خشکسالی اوایل دهه ۱۳۵۰ کشور را به واردات گسترده غلات کشاند. در آن دوره که تصور بر خودکفایی یا دست‌کم ثبات تولید برخی محصولات اساسی وجود داشت، ناگهان مشخص شد که



بدون باران حتی سنت دیرینه کشاورزی ایران هم نمی‌تواند جلوی بحران را بگیرد. دولت وقت با واردات بی‌سابقه گندم، جو و خوراک دام تلاش کرد بخشی از کمبودها را جبران کند اما اثرات اقتصادی و ترمی این اتفاق تا مدت‌ها ادامه یافت. این وضعیت برای نخستین‌بار اهمیت واقعی آب را در سطح حکمرانی برجسته کرد؛ هرچند سیاست‌گذاری‌ها در آن دوران هنوز نتوانسته بود به برنامه‌هایی پایدار و بلندمدت منجر شود. خشکسالی تنها یک مسئله طبیعی نبود؛ به‌مرور به یک مسئله اجتماعی تبدیل شد. خانواده‌هایی که از جمعیت روستاها جدا شدند و به شهرهای بزرگی مانند تهران، مشهد، شیراز و اصفهان مهاجرت کردند، ساختار زندگی شهری را تغییر دادند. آنها وارد بازار کارهای روزمزد و خدماتی شدند و بسیاری از آنها هرگز به روستا بازنگشتند. سکونت‌گاه‌های غیررسمی و محله‌های کم‌درآمد در حاشیه شهرها رشد کرد و در دهه‌های بعد به‌عنوان یکی از پیامدهای دیرپای آن دوره خشکسالی شناسایی شد. پژوهش‌های دانشگاهی نیز در دهه‌های بعد نشان دادند که این موج مهاجرت صرفاً اقتصادی نیست بلکه تشنگی روانی و اجتماعی را نیز به نسل‌های بعد منتقل کرده است. اما داستان تنها به گذشته تعلق ندارد. هنگامی که مسئولان امروز از «شدیدترین خشکسالی ۵ دهه اخیر»

سخن می‌گویند، مقایسه با آن سال‌ها تنها یک مسئله تاریخی نیست؛ بلکه نوعی هشدار است. متخصصان آب می‌گویند خشکسالی امروز با خشکسالی دهه ۱۳۵۰ تفاوت‌هایی بنیادی دارد. آن زمان منابع آبی هنوز دست‌نخورده‌تر بودند؛ سفره‌های زیرزمینی هنوز تا این اندازه تخلیه نشده بود؛ تعداد سدها کمتر بود و فشار مصرف بسیار محدودتر. امروز هر بار کاهش بارش در سرزمینی رخ می‌دهد که در چهار دهه گذشته برداشت‌های سنگین، چاه‌های عمیق، توسعه سکونت‌گاه‌ها و نیازهای متعدد آن را شکننده‌تر کرده است. به همین دلیل است که بسیاری معتقدند، اثرات خشکسالی کنونی می‌تواند گسترده‌تر و پیچیده‌تر از هر دوره تاریخی دیگری باشد.

در این میان، روایتگران حوزه محیط‌زیست معتقدند که خشکسالی نه صرفاً یک وضعیت طبیعی بلکه نتیجه برهم‌کنش میان کاهش بارش و مدیریت منابع آب است. در سال‌های اخیر، پدیده فرونشست زمین به یکی از خطرناک‌ترین پیامدهای برداشت بی‌رویه آب تبدیل شده است؛ پدیده‌ای که در دهه ۱۳۵۰ اگرچه وجود داشت اما به هیچ‌وجه به گستردگی امروز نبود. زمین‌هایی که در اثر خشکسالی و تخلیه سفره‌ها نشست می‌کنند، دیگر باز نمی‌گردند و این یعنی بخشی از ظرفیت طبیعی

کشور برای همیشه از دست رفته است.

با مرور تاریخ خشکسالی‌های ۱۰۰ سال گذشته، بسیاری از کارشناسان بر این باورند که خشکسالی اوایل دهه ۱۳۵۰ به دلیل آثار اجتماعی و مهاجرتی عمیق، بدیامدترین خشکسالی یک قرن اخیر بوده است. اما پرسش اصلی این است که آیا خشکسالی امروز با ساختار شکننده‌تر منابع آب و جمعیت بسیار گسترده‌تری که وابسته به این منابع است، می‌تواند پیامدهایی حتی شدیدتر از گذشته داشته باشد؟ پاسخ این پرسش هنوز روشن نیست اما نشانه‌ها حکایت از آن دارند که تاب‌آوری طبیعی و اجتماعی کشور در برابر خشکسالی کاهش یافته است؛ همان‌طور که کارشناسان بارها هشدار داده‌اند که تاب‌آوری مردم و طبیعت قابل محاسبه دقیق نیست و نمی‌توان پیش‌بینی کرد تا چه زمانی امکان تحمل این روند وجود دارد.

وقتی به گذشته نگاه می‌کنیم، می‌بینیم خشکسالی دهه ۱۳۵۰ تنها یک دوره کم‌آبی نبود بلکه نقطه عطفی بود که نشان داد چگونه آب می‌تواند، سرنوشت اقتصادی و اجتماعی یک کشور را تغییر دهد. اکنون پرسش اصلی این است که آیا ما از آن تجربه تاریخی درس گرفته‌ایم یا دوباره در مسیر تکرار چرخه‌ای هستیم که آغازش با کاهش بارش است اما پایانش می‌تواند تا دهه‌ها بر زندگی مردم سایه بیندازد.

داده‌اند. با این حال تصویر کلی آن‌قدرها هم بدبینانه نیست. نتایج Ramp AI Index نشان می‌دهد که برخلاف آمار رسمی دولت آمریکا حدود ۴۴ درصد شرکت‌ها برای استفاده از خدمات هوش مصنوعی هزینه پرداخت می‌کنند. این تفاوت معنادار نشان می‌دهد که شاید بسیاری از شرکت‌ها هنوز هوش مصنوعی را در خطوط اصلی تولید خود وارد نکرده‌اند اما آن را در بخش‌هایی مانند بازاریابی، تحلیل داده، تحقیق و توسعه یا خدمات داخلی به کار گرفته‌اند و حاضرند برای این خدمات اشتراک ماهانه یا سالانه بپردازند. در واقع، بخشی از استفاده‌ها هنوز در سطح نیمه‌رسمی یا آزمایشی قرار دارد و در آمارهای رسمی دیده نمی‌شود اما در عمل هزینه‌کرد واقعی برای آن در جریان است. چنین شکافی بین آمار رسمی و نظرسنجی‌های میدانی نشان می‌دهد، اگوسیستم هوش مصنوعی در مرحله گذار قرار دارد. کاربران فردی هنوز برای پرداخت هزینه مردند و شرکت‌های بزرگ هنوز از مرحله آزمایش عبور نکرده‌اند اما استفاده روزمره از این فناوری در حال عادی شدن است و جریان هزینه‌کرد نیز به‌تدریج در حال شکل‌گیری است. با رشد مدل‌های کاربردی‌تر، افزایش دقت ابزارها و کاهش هزینه‌های پیاده‌سازی، انتظار می‌رود نرخ پذیرش در سال‌های آینده شتاب بیشتری بگیرد و فاصله بین استفاده رایگان و مدل‌های پولی کاهش پیدا کند.

قرارداد ۵هزارمیلیارد تومانی!

عضو شورای شهر تهران خبر داد شهرداری تهران با صداوسیما قراردادی ۵هزارمیلیارد تومانی بسته و این قرارداد انتها هم ندارد!

گروه اجتماعی: اعضای شورای شهر و تحلیلگران در ماه‌های اخیر از هزینه‌های کلان تبلیغات شهری در دوره مدیریت شهردار تهران انتقاد کرده‌اند. در تازه‌ترین اظهارنظرها، ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران از وجود قراردادی «بدون انتها» میان شهرداری و صداوسیما پرده برداشت که رقم قرارداد آن حدود ۵ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. امانی می‌گوید در لایحه بودجه ۱۴۰۴ ردیف‌هایی برای اطلاع‌رسانی شهرداری پیش‌بینی و تبصره‌ای افزوده شده که امکان هزینه‌کرد نامحدود از طریق صداوسیما را فراهم می‌کند. به گفته او، بخشی از این بودجه در پروژه تبلیغاتی «تهران دوست‌داشتنی» هزینه می‌شود و اگرچه اصل تبلیغات نادرست نیست اما «بزرگنمایی‌های زیادی» در تبلیغات فعلی شهرداری دیده می‌شود.

ادعاهایی مانند «شهرداری از تهران تا شانگهای را آسفالت کرده است» نه‌تنها پایه عملکردی ندارد بلکه مایه وهن و اغراق‌آمیز است. در مهر ۱۴۰۲ شهرداری با استفاده از بالن، کمپینی تبلیغاتی برپا کرد که به‌طور تلخ زیرسوال رفت: طی آن حادثه ۶ کودک دچار سوختگی شدند. کارشناسان می‌گویند این نمونه‌ها نشان می‌دهد، شهرداری در این دوره بیشتر از آنکه مشکلات ساختاری شهر را حل کند به «نمایش» و زبان تبلیغات تکیه کرده است. مهدی اقراریان، رئیس کمیته نظارت شورای‌شهر با اشاره به ادعای تحقق «۸۶ درصدی برنامه چهار ساله» این مدیریت شهری را مصداق «حکمرانی

نمایشی و گزارشی» خواند و تأکید کرد، اقدامات شهرداری بیشتر در رسانه‌ها دیده می‌شود تا در خیابان‌ها. منتقدان فهرست بلندبالایی از مشکلات شهری را یادآوری می‌کنند که با این حجم تبلیغات می‌توانست بهبود یابد: توسعه حمل‌ونقل عمومی، نوسازی اتوبوس‌ها و تاکسی‌ها، ساماندهی بافت فرسوده و نگهداشت شهری. به گفته ناصر امانی، هزینه تبلیغات شهرداری اگر صرف خرید اتوبوس، بازسازی خیابان‌ها یا افزایش ایستگاه مترو می‌شد، اثرات ملموسی بر زندگی روزمره شهروندان می‌داشت. وی اعتراف می‌کند این عدم توازن در تخصیص بودجه «اشکال متوجه شورای شهر است» و قول داده در لایحه بودجه ۱۴۰۵ حتماً این موضوع را بازنگری کنند: «ابتدا گزارشی از عملکرد می‌خواهیم تا مشخص شود، عدد ۵ هزارمیلیارد تومان درست است یا نه؛ اگر چنین قراردادی وجود داشته باشد، در بودجه ۱۴۰۵ اصلاحش می‌کنیم. البته اگر زورمان برسد».

نکته مهم اینجاست که بودجه مصوب شهرداری تهران برای سال ۱۴۰۴ حدود ۲۲۵ هزارمیلیارد تومان تعیین شده است. به‌عبارت دیگر، ادعای ۵ هزار میلیارد تومان تبلیغاتی حدود ۲ درصد از کل بودجه شهرداری را تشکیل می‌دهد. با این حال، منتقدان می‌گویند همین رقم اندک نیز در حوزه‌های به‌مراتب ضروری‌تر سرمایه‌گذاری می‌شد. از آن جمله، بررسی‌های رسانه‌ها نشان داده، بودجه‌های پژوهش و مطالعات شهرداری نیز به شکلی کلی تصویب می‌شود



مشال دیگر کمپین تبلیغاتی «تهران دوست‌داشتنی» بود که گروهی دیگر آن را به «بزرگ کردن» تهران تشبیه کرده‌اند؛ چراکه شهر همچنان با آلودگی، ترافیک و بافت فرسوده دست به گریبان است و تهران آقده‌ها هم دوست‌داشتنی نیست.

به هر حال، آنچه روشن است، اختلاف‌نظر جدی بین شورا و شهرداری بر سر بودجه تبلیغات وجود دارد. اعضای منتقد شورای شهر بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که «تبلیغات بزرگ‌نمایی نباید جای کار واقعی را بگیرد». امانی نیز معتقد است اگر قرارداد ۵ هزار میلیارد تومانی وجود داشته باشد باید شورا بعد از هر طریق ممکن آن را اصلاح کند. کارشناسان شهری می‌گویند، تحقق اهداف اساسی شهر، نه با آمارهای بزرگ روی کاغذ بلکه با تلاش میدانی ممکن است. همان‌طور که اقراریان گفته، اگر مصوبات و فعالیت‌های شهرداری در گزارش‌ها و تبلیغات (درست و مستند) منعکس نشوند، نمی‌توان به بهبود محسوس زندگی تهرانی‌ها امید بست.

سپس قراردادهای مختلفی از قبیل تحقیقات محلی به‌صورت مجزا منعقد می‌شود. این رویه، نگرانی از شفافیت مصرف بیت‌المال را تشدید کرده است.

از سوی دیگر، شهرداری در واکنش به انتقادات مربوط به قراردادهای رسانه‌ای تلاش کرده است همه چیز را «شفاف» جلوه دهد. غلامحسین محمدی، رئیس مرکز ارتباطات شهرداری اخیراً اعلام کرده، اطلاعات همه قراردادهای در سامانه شفافیت بارگذاری شده و تولید و توزیع محتوا به‌صورت «متمرکز» از طریق شرکت تبلیغاتی پیام‌رسا انجام می‌شود. او اظهاراتی نظیر «پرداخت ۴۰۰ میلیون تومان به یک فرد در توئیتر» را تکذیب کرده و گفته پرداخت‌های رسانه‌ای مطابق تعرفه‌های مصوب صورت می‌گیرد. به ادعای او، اگرچه پوشش رسانه‌ای کارها گسترده است اما بخش مهمی از این کارها عملاً به اطلاع‌رسانی عمومی مانند ترافیک، پسماند یا فضای سبز اختصاص یافته است.

آموزش

فشرده‌سازی دانشگاه

وزارت علوم اعلام کرد کارشناسی سه ساله و ارشد یک ساله در راه است



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

طرح تازه وزارت علوم برای کوتاه‌سازی دوره‌های تحصیلی، موجی از بحث و ارزیابی را در فضای آموزش عالی ایران ایجاد کرده است. حسین سیمایی‌صراف، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، اعلام کرده که این وزارتخانه قصد دارد دوره کارشناسی را از چهار سال به سه سال و دوره کارشناسی ارشد را به یک سال کاهش دهد. او همچنین از بازنگری در دوره دکتری خبر داده و گفته است که آزمون جامع احتمالاً با ارائه مقاله یا ثبت اختراع جایگزین خواهد شد. این تغییرات، به گفته مسئولان، بخشی از یک برنامه گسترده برای «به‌روزرسانی نظام آموزشی»، افزایش مهارت‌آموزی و تسریع ورود دانشجویان به بازار کار است.

رئیس کمیسیون آموزش مجلس نیز از این طرح استقبال و تأکید کرد که با استفاده از ترکیبی از آموزش حضوری، مجازی و روش‌های نوین، می‌توان دوره کارشناسی را در سه سال به پایان رساند؛ مشروط بر آنکه سر فصل‌ها و استانداردهای آموزشی آسیب نبینند. این نگاه خوش‌بینانه بر مبنای چند استدلال اصلی شکل گرفته است؛ استدلال‌هایی که موافقان طرح آنها را نشانه‌ای از ضرورت تحول در آموزش عالی می‌دانند.

مدافعان این تغییرات معتقدند، کوتاه‌تر شدن مسیر تحصیل به دانشجویان امکان می‌دهد یک سال زودتر وارد بازار کار شوند و از

فرصت‌های شغلی و تجربه‌آموزی بیشتری بهره‌مند شوند. این گروه تأکید می‌کنند که خروج سریع‌تر دانش‌آموختگان از دانشگاه برای اقتصادی که نیازمند نیروی کار جوان و ماهر است، مزیتی قابل توجه محسوب می‌شود. علاوه بر این، فشرده‌سازی برنامه‌های درسی می‌تواند، موجب تمرکز بیشتر بر مهارت‌های عملی شود. مسئولان وزارت علوم بارها گفته‌اند که سال کاهش‌یافته باید صرف کارگاه، پروژه و آموزش‌های کاربردی شود تا فارغ‌التحصیلان توانمندتر وارد بازار کار شوند.

کاهش هزینه‌های دانشگاه

مزیت دیگر این طرح، کاهش هزینه‌های تحصیل است. کوتاه‌تر شدن دوره آموزشی به معنای کاهش هزینه‌های زندگی دانشجویی همچنین کاهش هزینه‌های جاری دانشگاه‌هاست؛ موضوعی که در سال‌های اخیر با توجه به افزایش هزینه‌ها اهمیت بیشتری یافته است. برخی کارشناسان نیز یادآور می‌شوند که بسیاری از کشورها در چارچوب نظام پولونیا دوره کارشناسی را سه ساله برگزار می‌کنند و ایران نیز می‌تواند با حذف واحدهای غیرضروری، خود را با استانداردهای جهانی هماهنگ کند. استفاده از فناوری‌های نوین، به‌ویژه ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی، یکی دیگر از دلایلی است که مسئولان برای توجیه این تغییر ارائه می‌کنند؛ فناوری‌هایی که از نظر آنها می‌توانند، فرآیند یادگیری را تسریع و کیفیت آموزشی را ارتقا دهند.

با این حال، منتقدان تصویر دیگری ارائه می‌کنند و نسبت به پیامدهای احتمالی این طرح هشدار می‌دهند. یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها، افت کیفیت آموزشی است. اساتید دانشگاه معتقدند، کاهش زمان تحصیل بدون بازنگری اساسی در محتوای درسی می‌تواند به تضعیف آموزش در رشته‌های مختلف، به‌ویژه رشته‌های نظری و علوم انسانی، منجر شود. برخی اساتید تصریح کرده‌اند که در وضع فعلی حتی چهار سال برای آموزش مباحث پایه‌ای کافی نیست و کاهش زمان ممکن است لطمه‌های جبران‌ناپذیری به کیفیت علمی وارد کند.



مقاومت دانشگاه‌های شهریه‌بگیر

در کنار این نگرانی، مقاومت برخی دانشگاه‌ها نیز مطرح است. مراکز شهریه‌پرداز از جمله دانشگاه آزاد، کاهش سنوات تحصیلی را مترادف با کاهش درآمد می‌دانند و ممکن است در برابر اجرای آن مقاومت کنند. از سوی دیگر، اجرای چنین طرحی نیازمند زیرساخت‌های فناورانه گسترده و آموزش اساتدان برای استفاده از فناوری‌های نوین است؛ موضوعی که به گفته کارشناسان هنوز در بسیاری از دانشگاه‌ها محقق نشده است. آنها هشدار می‌دهند که تکیه بیش از حد بر فناوری بدون فراهم بودن امکانات لازم ممکن است، آموزش را به سطحی‌گرایی و اتکای صرف به ابزارهای دیجیتال سوق دهد.

بازنگری دقیق در سرفصل‌ها از دیگر ضرورت‌هایی است که برای اجرای این طرح مطرح می‌شود. حذف دروس تکراری و کم‌کاربرد، افزایش درس‌های مهارتی و طراحی یک برنامه درسی منطقی و کاربردی نیازمند زمان، کار کارشناسی و هماهنگی گسترده میان نهادهای آموزشی است. کارشناسان همچنین یادآور می‌شوند که کاهش مدت تحصیل زمانی مؤثر است که بازار کار نیز توان جذب سریع‌تر فارغ‌التحصیلان را داشته باشد؛ در حالی که سهم بالای بیکاران دارای تحصیلات عالی، پرسش‌های جدی درباره کارکرد واقعی این طرح ایجاد می‌کند. در مقایسه با کشورهای اروپایی، هرچند ساختار سه‌ساله کارشناسی و دو ساله ارشد تجربه موفق محسوب می‌شود اما بسیاری از متخصصان هشدار می‌دهند که الگوهای آموزشی خارجی باید با شرایط اجتماعی، اقتصادی و دانشگاهی ایران تطبیق داده شوند و تقلید صرف از مدل‌های جهانی، کارایی لازم را نخواهد داشت. در نهایت طرح کوتاه‌سازی دوره‌های دانشگاهی را می‌توان تلاشی بلندپروازانه

برای اصلاح نظام آموزش عالی دانست؛ تلاشی که موفقیت آن منوط به رعایت استانداردها، بازنگری محتوایی و هم‌راستایی همه ذی‌نفعان است. این طرح در صورت برنامه‌ریزی دقیق می‌تواند به بهره‌وری بیشتر، کاهش هزینه‌ها و تسریع ورود دانشجویان به بازار کار کمک کند اما در صورت اجرای شتاب‌زده و بدون پشتوانه کارشناسی، ممکن است پیامدهایی چون افت کیفیت، افزایش بیکاری فارغ‌التحصیلان و تشدید چالش‌های ساختاری را به همراه داشته باشد. آینده این طرح به میزان دقت، واقع‌بینی و هماهنگی‌ای بستگی دارد که در مسیر اجرای آن به کار گرفته خواهد شد.

زنان

بازنگری در لایحه منع خشونت علیه زنان

سازمان زنان حزب کارگزاران سازندگی ایران نشست تخصصی «بررسی راهکارهای منع خشونت علیه زنان» را برگزار کرد

همزمان با ۲۵ نوامبر، روز جهانی منع خشونت علیه زنان، کمیته حقوقی سازمان زنان حزب کارگزاران سازندگی ایران نشست تخصصی «بررسی راهکارهای منع خشونت علیه زنان» را با حضور جمعی از پژوهشگران، حقوق‌دانان و فعالان اجتماعی برگزار کرد. در این نشست که با هدف: ارتقای آگاهی عمومی، تدوین راهکارهای حقوقی و ترویج سیاست‌های حمایتی و پیشگیرانه تشکیل شد، ابعاد مختلف خشونت مبتنی بر جنسیت، چالش‌های حقوقی موجود و نقش نهادهای حمایتی و مدنی مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدای نشست، طیبه سیاوشی گزارشی از روند تدوین لایحه منع خشونت علیه زنان در دولت‌های مختلف ارائه کرد. الهه باقری‌سنجری نیز گزارش میدانی بر اساس واقعیت‌های جامعه از انواع خشونت علیه زنان، به‌ویژه زن‌کشی ارائه و بر ضرورت ثبت دقیق داده‌ها و توجه رسانه‌ای به این معضل تأکید داشت. محمدابراهیم خورشیدی، یکی از حقوق‌دانان حاضر در نشست با طرح پرسش بنیادین «چراهی حمایت قانونی از زنان»، رویکرد قانون‌گذاری در ۱۵ سال اخیر را یکپارچه‌سازی قوانین کیفری دانست و پیشنهاد داد به جای تدوین قانون جدید، اصلاحات مورد نیاز از مسیر الحاقیه به قوانین موجود صورت گیرد. وی در ادامه: به بررسی ماده به ماده لایحه پرداخت و بر رفع تعارضات قانونی و تقویت قابلیت اجرایی مواد لایحه تأکید و اظهار کرد، برخی مواد در شرایط فعلی قابل اجرا نیستند. خورشیدی، قاضی و کارشناس حقوقی همچنین بر اهمیت آموزش حقوقی و افزایش آگاهی زنان تأکید کرد و گفت، بخش قابل‌توجهی از آسیب‌ها ناشی از ناآگاهی افراد از حقوق قانونی خود و فرآیندهای پیگیری است. فاتیما باباخانی، مدیرعامل سازمان مردنهاد مهرشمس آفرید با اشاره به وضعیت زنان آسیب‌دیده و خانه‌های امن از بی‌توجهی سیاستگذاران به نیازهای واقعی زنان انتقاد کرد و خواستار تقویت حمایت‌های اجتماعی ازجمله: خانه‌های امن شد. عمادالدین باقی، پژوهشگر حوزه حقوق بشر بر ضرورت نگاه جامع و غیرجانبدارانه به مسئله خشونت تأکید کرد و گفت: «خشونت علیه هیچ جنسیتی نباید نادیده گرفته شود». در پایان نشست، قطعنامه‌ای با هدف، ضرورت بازنگری جدی در لایحه، حذف تعارضات، تقویت ضمانت اجرا و تدوین نسخه‌ای کارآمد و قابل اجرا، بررسی مشکلات و چالش‌های موجود در زمینه خشونت علیه زنان و راهکارهای عملی همچنین آموزش حقوق زنان، اطلاع‌رسانی عمومی و ارتقای آگاهی بزرگسالان را از پیش‌نیازهای اساسی توانمندسازی عملی زنان به تصویب رساندند.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیرنظرشورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آراین‌فر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰

ادامه یادداشت روز

دفاع از آئینده

بخش غم‌انگیز ماجرا نیز این است که بخش عمده‌ای از این ۹۰۰ همت به‌جای عموم مردم به لایه‌های مرفه جامعه می‌رسد چراکه خانواده‌های مرفه معمولاً دو یا سه اتومبیل دارند اما بسیاری از خانوارها، به‌خصوص در شهرستان‌ها و روستاها، اصلاً اتومبیل ندارند و هیچ بهره‌ای از این یارانه نمی‌برند. همچنین بنزین ارزان باعث شده که تولیدکنندگان داخلی اتومبیل به فکر پیشرفت تکنولوژی نباشند چون می‌دانند که هر اتومبیلی که تولید کنند، هر چقدر هم بنجل باشد یا عقب به دلیل محدودیت واردات و نفوذ بالای صنعت خودروسازی داخلی و جلوگیری از ورود خودروهای خارجی همچنین به‌خاطر ارزان بودن بنزین، بسیاری از خودروها، خودروهای اسقاطی یا قدیمی با مدل پایین هستند یا مصرف بنزین بالایی دارند اما به دلیل ارزان بودن سوخت همچنان از آنها استفاده می‌شود.

گزارش ویژه

تقدیر مدیرعامل نفت و گاز مارون از تلاشگران عملیات

مدیرعامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون از تلاش‌های ۱۲ نفر از کارکنان عملیاتی این شرکت تقدیر کرد.
مهندس قباد ناصری، زحمات متعهدانه و شصبانه‌روزی کلیه کارکنان شرکت در راستای پایداری تولید را ارج نهاد و گفت: صنعت نفت پویایی، چابکی و اقتدار عملیاتی خود را در سایه اهتمام سرمایه انسانی کارآمد به دست آورده است. وی افزود: فرآیند تولید اغلب شاهد رویادهای عملیاتی خاص و دارای ریسک است اما اقدام سریع و بهره‌مندی از توان فنی و عملیاتی بالا همواره همجواران، سایر کارکنان و دارایی‌های فیزیکی سازمان را مصون نگاه داشته است. در پایان و پس از مراسم تقدیر، مدعوین و مدیرعامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون، مسائل مرتبط با تولید و واحدهای عملیاتی را مورد بحث و تبادل نظر قرار دادند.

حیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۵۸۷-۱۲۰۰-۳۱۶-۱۴۰۴/۸/۶ مورخ ۱۴۰۴/۸/۱۴ حیات اول قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک پاپو تصرفات ملکانه بلا معارض متقاضی آقای احمد امینی فرزند علی اصسن به شماره شناسنامه ۰۳ صادره از پاپو ششداگ یک قطعه باغ یا حفظ کاربری رزایی و آبایی به مساحت ۸۲/۱۱۶۲۴ متر مربع واقع در پلاک ۴۲ فرعی از ۵ اصلی به آدرس پاپو- سر کران مع الواسطه خریداری از ورگ ملک رسمی مرحوم آقای علی احسن امینی با در نظر گرفتن جمع جهات و مدارک و مستندات ارائه شده و مضبوط در پرونده و گزارش کارشناس منتخب و پاسخ استعلامات با رعایت متن شری به شماره فوق محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که انتخابی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدینیه است که در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
فیروز عزیز زاده - رئیس ثبت اسناد و املاک
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۸/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۹/۰۹

شناسه آگهی: ۲۰۵۷۰۱۴
نوبت اول



P.M.O

نقل و انتقال

لنج باری به شماره ثبت ۱۲۴۵۱- بندر عباس

به استناد رونوشت سند شماره ۴۴۲۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۴ با شناسه سند ۱۴۰۴۹۹۳۲۵۸۸۳۴۰۰۰۱۵ دفتر اسناد رسمی ۱۱۹ بردستان آقایان غلامحسین محمدی فرزند گرگلی، محمد محمدی فرزند گرگلی و حسین محمدی فرزند گرگلی تمامی شش دانگ سهام خود در مالکیت لنج باری به شماره ثبت ۱۲۴۵۱- بندرعباس را به آقایان مرتضی محمدی فرزند غلامحسین ، داریوش محمدی فرزند غلامحسین و رضا محمدی فرزند غلامحسین و محسن محمدس فرزند غلامحسین انتقال قطعی داده است.

مراتب به استناد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می‌گردد.

دیدگاه

نتیجه این می‌شود که خودروهای قدیمی، اسقاطی یا با مصرف بالای سوخت همچنان در حال استفاده هستند، مسائلی که روی هم انباشته می‌شوند و تبدیل می‌شوند به هوایی که ما استنشاق می‌کنیم. البته می‌پذیرم که فقط بنزین عامل آلودگی هوا نیست، قبول دارم که سوخت مازوت و برخی مواد دیگر هم در این وضعیت مؤثر هستند اما واقعیت این است که بخش عمده این آلودگی ناشی از بنزین است.

هزینه ملی دیگری که فروش بنزین ارزان قیمت به کشور تحمیل می‌کند، قاچاق بنزین است. شاید باورش سخت باشد اما قیمت بنزین در افغانستان یک دلار و چهار سنت و در پاکستان نزدیک به ۹۰ سنت است. یعنی در دو همسایه شرقی ما، که حدود دو هزار کیلومتر مرز مشترک با آنها داریم، قیمت بنزین بالای ۱۰۰ هزار تومان است؛ در حالی که در ایران ۵ هزار تومان است. بنابراین اگر شما ۱۰ لیتر بنزین را داخل یک گالن بریزید و به آن طرف مرز ببرید، چه در پاکستان و چه در افغانستان حدود یک میلیون تومان نصیب‌تان می‌شود. در چنین شرایطی بعد می‌پرسیم چرا قاچاق سوخت وجود

دارد؛ چرا با وانت می‌برند، چرا با قایق می‌برند، چرا با لوله‌ها منتقل می‌کنند. چون اگر یک لیتر بنزین را به آن طرف مرز ببرید حدود ۱۰۰ هزار تومان سود دارد و روشن است که این اتفاق می‌افتد.

اینها واقعیت‌های تلخ مرتبط با بنزین است. در ادامه باز می‌پرسیم چرا قاچاق می‌شود؛ چرا فلان جا در قاچاق نقش دارد، فلان افراد دست دارند، کولرها در قاچاق نقش دارند. در همسایگان غربی ما یعنی عراق و ترکیه نیز وضع مشابهی وجود دارد. در ترکیه قیمت بنزین بالاتر از یک دلار است و در عراق حدود ۶۵ سنت؛ یعنی در عراق نیز قیمت بنزین نزدیک به ۷۰ هزار تومان است، چه در عراق و چه در اقلیم کردستان. در کشورهای جنوبی حاشیه خلیج فارس نیز قیمت بنزین بین ۶۰ تا ۸۰ سنت است؛ یعنی در حقیقت چیزی نزدیک به همان ۸۰ تا ۹۰ هزار تومان. در غرب کشور نیز قاچاق صورت می‌گیرد و در جنوب کشور هم همین‌طور. بنابراین بخش عمده‌ای از این ۱۳۷ میلیون لیتر در حقیقت بنزینی است که به کشورهای همسایه قاچاق می‌شود. حالا هر چقدر هم که با آن مقابله کنید، هر چقدر هم بگیرید یا ببندید، وقتی بردن یک لیتر بنزین ۱۰۰ هزار تومان درآمد دارد، چرا

بسیاری این کار را نکنند؟ طبیعی است که انجام می‌دهند و ما فقط نشسته‌ایم و می‌گوییم باید با قاچاق مبارزه کرد و باید نهادهای کشور اراده داشته باشند. اینها واقعیت‌های بنزین است؛ تازه وقتی بنزین قرار است ۵ هزار تومان بماند.

من معتقدم اصولاً فروش بنزین با این قیمت، ضربه زدن به ریشه منافع ایران است. بالاخره چه جمهوری اسلامی باشد، چه هر رژیم دیگری، ایران وجود دارد و به تاراج دادن سرمایه ملی و منافع ملی کشور، کار درستی نیست.

آخرین نکته این است که من در این محاسبات اساساً قیمت نفت را در نظر نگرفته‌ام؛ یعنی فرض این بوده که نفت مجانی است. حالا سوال این است آیا بچه‌ای که امروز یک ساله است، بچه‌ای که امروز ۱۰ ساله است، یا جوانی که امروز ۲۰ ساله است یا ۴۰ سال دیگر نیازی به نفت نخواهند داشت؟ آیا این نفتی که امروز استخراج می‌کنیم و به ثمن بخت می‌فرشویم فقط متعلق به نسل فعلی و کسانی است که در سال ۱۴۰۴ زندگی می‌کنند؟ آیا ایرانی‌هایی که ۲۰، ۳۰، ۴۰ یا ۵۰ سال دیگر در این کشور زندگی خواهند کرد، سهمی از این منابع ندارند؟

شناسه آگهی: ۲۰۶۰۲۴۵۰

((آگهی فراخوان خرید خدمات مشاوره))

شماره فراخوان ۲۸۹۷۱/پ۳۴

اداره کل بنادر و دریانوردی استان خوزستان – منطقه ویژه اقتصادی بندر امام خمینی (ره)

جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه و شهرسازی
سازمان بنادر و دریانوردی
اداره کل بنادر و دریانوردی استان خوزستان
منطقه ویژه اقتصادی بندر امام خمینی (ره)

شامل اسناد ارزیابی کیفی (RFQ) و شرایط الزامی (ارزیابی شکلی) تا ساعت ۱۶:۰۰ مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۱۸ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس www.setadiran.ir بارگذاری نمایند.
تیمزه ۲: کلیه ی مراحل برگزاری از دریافت اسناد ارزیابی کیفی تا ارائه ی پیشنهاد قیمت متقاضیان و گشایش پوشه ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است متقاضیان در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند. فلذا از ارائه اسناد فیزیکی خودداری گردد.

شماره تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: ۰۲۱-۴۱۹۳۴۰

زمان بازگشایی و بررسی اسناد ارزیابی کیفی : پیشنهادات کیفی متقاضیان از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۹ توسط کمیته‌ی فنی -بازرگانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

روابط عمومی اداره کل بنادر و دریانوردی استان خوزستان
منطقه ویژه اقتصادی بندر امام خمینی (ره)

۱ موضوع خدمات مشاوره: نظارت بر ترمیم، بازسازی و نگهداری ابنیه بندر امام خمینی (ره)

شرایط الزامی پیشنهاد دهندگان جهت ورود به فراخوان:

- ❖ ارائه گواهی نامه صلاحیت حداقل پایه ۲ ساختمان از گروه معماری از سازمان برنامه و بودجه کشور (معتبر تا تاریخ بازگشایی پیشنهاد مالی و عقد قرارداد).
- ❖ ارائه ظرفیت خالی ریالی و تعدادی آماده بکار از سازمان برنامه و بودجه کشور.
- تبصره ۱: در صورت عدم احراز شرایط فوق، سایر معیارهای ارزیابی کیفی شرکت کنندگان به شرح مذکور در اسناد(RFQ) مورد بررسی قرار نخواهد گرفت.

محل، مهلت ونحوه دریافت اسناد: متقاضیان می توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۹ لغایت ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ ساعت ۱۵:۰۰ با مراجعه به سایت www.setadiran.ir نسبت به دریافت (خرید) رایگان اسناد اقدام نمایند.

محل و مهلت تسلیم اسناد ارزیابی کیفی: متقاضیان باید اسناد خود را در پوشه های مربوطه

شناسه آگهی ۲۰۵۷۶۵۴ نوبت دوم

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی به صورت فشرده

موضوع مناقصه: انجام خدمات ماشین آلات عملیاتی موتوری سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس – شماره مناقصه: ۱۴۰۴/۴۲

سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در نظر دارد انجام خدمات با موضوع فوق را طبق مشخصات و شرایط کلی زیر، از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای و پس از ارزیابی کیفی به صورت فشرده به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید (اطلاعات تکمیلی در اسناد مناقصه می‌باشد):
۱- نام و نشانی مناقصه‌گزار: سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس – استان بوشهر، عسلویه، ساختمان مرکز همایش‌های خلیج فارس
۲- مبلغ بر آورد اولیه: ۵۰,۲۰۷,۷۰۷,۹۹۱,۴۶۸ ریال
۳- نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ضمانتنامه بانکی (که قابل تمدید به مدت سه ماه با درخواست مناقصه‌گزار باشد) یا وجه نقد به مبلغ ۱۲۱,۲۵۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۴- شرایط شرکت در مناقصه: ۱- دارا بودن گواهینامه صلاحیت پیمانکاری معتبر پیمانکاران از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی(امور ایاب و ذهاب (کد حمل و نقل)
۵- فرآیند ارزیابی کیفی و انتخاب برنده مناقصه به صورت فشرده انجام می‌گردد لذا مناقصه گران باید علاوه بر بازگذاری اسناد مورد درخواست و مستندات ارزیابی کیفی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir، صرفا (پاکت الف) را که حاوی ضمانتنامه فرآیند ارجاع

۱۱- **تلفن کمیسیون مناقصات:** ۰۴- ۰۷۷۳۱۳۷ ۲۱۵۰ نامبر: ۰۷۷۳۱۳۷۲۱۵۵

روابط عمومی سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس

شناسه آگهی: ۲۰۵۸۶۹۹ نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای (۰۴/۲۰)

شرکت گاز استان بوشهر در نظر دارد انجام خدمات ذیل را براساس مشخصات و شرایط کلی مندرج در جدول و از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت واجد شرایط واگذار نماید.

نام و نشانی مناقصه گزار	شرکت گاز استان بوشهر –فلکه قدس –بلوار رئیسعلی دلواری –نرسیده به چهارراه کشتیرانی
شرح خدمات	خرید ۷۰۰۰ عدد رگولاتور سایز ۱۰ متری
نوع مناقصه	یک مرحله ای
مکان توزیع و تحویل اسناد	سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران)
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران)	تا ساعت ۰۸:۰۰ روز دوشنبه ۱۴۰۴/۰۹/۱۷
آخرین مهلت اعلام آمادگی و ارسال اسناد ارزیابی کیفی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران)	تا ساعت ۰۸:۰۰ روز سه‌شنبه ۱۴۰۴/۱۰/۰۲
اولین روز توزیع اسناد	سه‌شنبه ۱۴۰۴/۱۰/۰۹
آخرین روز توزیع اسناد	پنج‌شنبه ۱۴۰۴/۱۰/۱۱
مکان تحویل ضمانتنامه و زمان تحویل پیشنهادها	دبیر خانه کمیسیون مناقصات شرکت گاز استان بوشهر –دوشنبه ۱۴۰۴/۱۰/۲۲
مکان و زمان گشایش پیشنهادها	سالن کنفرانس شرکت گاز استان بوشهر – دوشنبه ۱۴۰۴/۱۰/۲۲
برآورد اولیه	۷۴۸,۱۱۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال
نوع و میزان تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	ضمانتنامه معتبر بانکی _۵۸۸,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
میزان پیش پرداخت	به میزان (بیست و پنج) ۲۵ درصد مبلغ اولیه پیمان
رتبه بندی	۱- کلیه تولید کنندگان / تامین کنندگان دارای گواهی نامه صلاحیت معتبر مرتبط با موضوع مناقصه از وزارت صنعت، معدن و تجارت – عضویت در فهرست بلند منابع واحد دستگاه مرگزی وزارت نفت (AVL)
شماره فراخوان در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران)	۲۰۰۴۰۹۱۳۶۸۰۰۰۰۲۹
قیمت ها متناسب با کالای ساخت داخل یا لحاظ کیفیت ارائه گردد.	

از کلیه شرکت ها/پیمانکاران واجد شرایط دعوت می شود جهت اعلام آمادگی و شرکت در مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.SetadIranir اقدام نمایند تا پس از بررسی اسناد و مدارک واصله در چارچوب ضوابط و مقررات داخلی از شرکت های واجد شرایط جهت دریافت اسناد و مدارک مناقصه دعوت بعمل آید.

تلفن تماس: ۰۷۷۳۳۳۳۷۶۰۲ – ۰۷۷۳۱۶۶۴۲۹۱ شماره تاییدیه فکس: ۰۷۷۳۱۶۶۴۱۱۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۰۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰

روابط عمومی شرکت گاز استان بوشهر